

مسائل اساسی انقلاب را املاک قرار دهید و بر اختلاف نظرهای فرعی غلبه کنید

اینک دیگر لزوم یک تفاهم اصولی و انقلابی بین مسئولین امرکتور و گردآنتندگان قوای مختلفه مملکتی، لزوم پایان دادن به دعوی قدرت و آغاز کردن تقویت و تحکیم اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همه آنکار رسیده است. جا معدهما از اینهمه دو بهیم زنیها، بیکه - تازیها، انحصار طلبیها، تکرویها - آنهم بعد از آن انقلاب عظیمی که میلیونها مردم یکدل و یک جان در آن شرکت داشتند - بجان آمده است.

برای بسیاری از مردم این وضع، این اشیاءات متقابل، این کروکیها، این قدرت طلبیها قابل درک و قابل تصور نیست، بویژه که هر نوع ریشه سیاسی یا طبقاتی آن انکار می شود در نتیجه عملا بیشتر به یک دعوی برجنگال بر سر ارت سیاهت پیدا می کند و لذا نمی توان آنسرا تبادل نظروحتی اختلاف نظر، بیان عقیده بقیه در صفحه ۲

وظایف مجلس شورای اسلامی

نکته اساسی و ضروری به هیچ وجه کافی نیست. رئیس مجلس نیز با توجه به لزوم تعبیر بنیادی در سبزه فعالیت و طرز اداره، مجلس بود که مدکسر کردید، که آئین نامه موجود مجلس بحث نایسیر آئین نامه گذشته بوسه سده است و اظهار امیدواری کرد که وقتی آئین نامه موجود مورد بررسی مفصل قرار گیرد، تغییرات اساسی در آن داده شود. در این ارتباط نایسیر است به برده به مبارزه علیه بورژوازیسم و فرط بازی بوجه لازم معطوف گردد، تا سرعت عمل انقلابی توه مقصد به حد اکثر نامن شود و این سرعت عمل به بوسه خود نموده ای برای دیگر قوای مملکتی، از حمله برای توه مجریه، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران در سریع انجام وظایف حطیر خوبی و بناده کردن برنامه های بسازی بنیادی جامعه ایران گردد.

س از سکیل دولت و تصویب برنامه آن، یکی دیگر از وظائف مهم مجلس شورای اسلامی ایران در سقنه در صفحه ۲

مجلس شورای اسلامی ایران وظایف بس خطیری در فعال انقلاب سکوهنمدان دارد، که اهم آنها در لحظه کنونی کمک به سکیل دولت جمهوری اسلامی ایران و تصویب برنامه آنست. در مصاحبه اختصاصی که چند روز بیس، رئیس مجلس، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، با روزنامه جمهوری اسلامی داس، به بعضی از این وظایف اشاره سده است.

بخشی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی ایران مربوط به خود مجلس، سبوزه کار و طرز اداره آنست. مردم رزمنده ایران به حق انتظار دارند که فعالیت این مجلس، که مولود انقلاب سکوهنمدان ایرانست، با عملگردهای مجلسهای زمان طاغوت از ریس و بن فرق داسه بسد. این امر به تنها در برکت مجلس، بلکه همچنین در سبوزه کار و نحوه اداره، این ارگان مقصد باید منعکس گردد. البته باید استقلال رای و بیس انتقالی ضرور برین مسخه مجلس شورای اسلامی ایران بسد. اما این



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۵۵
دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ریال

ملاقات قاسملو با بختیار

دراواجرسرمه (حدود ۲۸ سسر)، قاسملو در محلی بنام "فلسه دزه" در عراق، با بختیار خاثن ملاقات و مذاکره داسته است. در این ملاقات قاسملو و بختیار بر سر حکومتی سرتکون کردن جمهوری اسلامی ایران، کدیکو توافق کردند.

ملاقات و مذاکره این دو مرد در برای هماهنگ کردن توطئه ها بنان علیه انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران و خلش کرد، سکفتی بر نمایی تکیزد. هم قاسملو و بختیار رتا بحال بخوبی به وظایف محوله خود در این جهت عمل کرده اند. اولی با تلاش جهت کنا نندن خلق کرده جنگ بسا جمهوری اسلامی ایران و دومی با تلاش جهت بزیار کردن یک کودتای خونین و کنا رتا ده میلیون نفر از مردم ایران و سازماندهی توطئه های رنگا رنگ دیگر. هر دو عامل رسوا و سرسرده آمریکا و هر دو دشمن سوکتند خوردن مردم ایران و انقلاب اند و گفتگو و مذاکره این دوبرای تدارک توطئه های خا ثنا نه دیگر نیستند اقدامی در همین جهت است.

اما جالبست ببینیم که قاسملو و همفکران وی، که مدعیند برای "کسب حقوق حقه، خلق کرد" مبارزه می کنند، چه جایی برای "حقوق خلق کرد" در مذاکره و ملاقات با بختیار رجا بنگا رتا ثل هستند و اینرا چگونه به خلق کرد توضیح میدهند؟ جالبست ببینیم که خلق کرد، که خود بسهم خویش در بیرون را بسن بختیار، این بسا اختیار امیرالیسم آمریکا، نقش نمایان داسته است، در مورد دیگر سردگان بسا اختیار امیرالیسم خون قاسملوها، که می گویند دشمنان خلق کرد را بطریق دیگری درون آورند، چه خواهد کرد؟

بیکمان قاسملو، این عامل معصت عراق، ناتوا امیرالیسم آمریکا، که رذلانه به خلق کرد دروغ می گوید و خنجر خیانت در دست سرا و تیزی می کند، سرنوشتی بهتر از بختیار، محمدرضا و نخواهد داست.

اوباشان قاسملو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

در پی اسفندی "نامه مردم" در مورد وابستگی قاسملو به جنایتکاران بعثی عراق، اوباشان گروه قاسملو، که از خشم دیوانه شده بودند، در تاریخ ۱۷ مرداد ماه، ساعت ۱۱/۳۵ صبح، به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند و بس از مغزوب ساختن عده ای از اعضای حزب توده ایران، وارد دفتر شدند، کتا بها و علامیه های موجود را به آتش کشیدند، میزها و صندلیها و دیگر وسایل را غارت کردند و به خانه های خود بسر شدند. در جریان هجوم اوباشان، سه تن از رفقای ما بسا میهای قاسم خوشی، مصطفی تاقا سم بقیه در صفحه ۸

رادپوهای ضد انقلابی بختیار و اویسی

(سنگ زرد و شغال در خدمت یک هدف شیطانی)

بوسیم که توطئه های امیرالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چندجانه است و بعدهای مختلف را در بر می گیرد. نوسیم که تئوری امیرالیسی حرکت بر روی دوبا - لیبرالیسم و مانوسیم - به نحو امریکامشانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران دارد بناده می شود. نوسیم که دو نای دیکسر امیرالیسم آمریکا "سوسال دمکراسی بختیار" و "فاسیم نظامی اویسی - نالیزبان" است و هر روز ساهد نمونه های مختلف این واقعیب هسبم.

هجوم بنیغاتی از راه رادپوهای با نام "ایران" و در واقع صدردم امریکایی، یکی از بعدهای توطئه است. در این بعد هم امیرالیسم آمریکا همه تخم مرغها را در یک سبد نمی گذارد و به خیال خود می خواهد روی هر دو با راه رود. رادپوهای ضدانقلابی با مول امریکایی، هر یک قیافه ای برای خود می گیرند و می گویند خود را محزا از هم ولاد "مستقل"! جا بزندن.

یک رادپویی ضدانقلابی به ظاهر صدای بختیار است و جانبدار سوسال دمکراسی، یعنی از نوع همان حکومت های امیرالیسی برخی از کشورهای اروپای غربی را وعده می دهد که در واقع نه اجتماع گرا هستند نه خلق گرا، و کمترین رابطه ای نه با سوسالیسم دارند نه با دمکراسی و برخی از دولت مداران ما امیدی به آنها سهند، و لسی هنر اصلی آنها اینست که با بنه سر می برند. زیر این سکل رادپویی ضدانقلابی مزبور محتوی نقسه براندازی آمریکا را تعقیب می کند و بی چون و چرا دشمن انقلاب و مردم ماست. بی اختیار مسزودر خائنی خون بختیار در تقسیم کار امیرالیستی هجوم تبلیغاتی است.

یک رادپویی ضد انقلابی دیگر به ظاهر صدای اویسی است و جانبدار حکومت قوی و مستنبرومند مرد ارسبی (!) یعنی از نوع حکومت هایی نظیر سرهنگان سیاه یونان یا کودتا گرانی که امریکای لاتین یک دوجین آن را به معرض نمایش گذاشته و وعده می دهند که کویا آرامش و امنیت و بیات را به همراه خواهند آورد. این رادپویی ضدانقلابی هم همان محتوی نقسه براندازی آمریکا را منتهی به شکل دیگر به انجام می رساند و درست مانند همزادش دشمن انقلاب و مردم ماست و صدالبته کمترین رابطه ای با راس و امنیت و بیات واقعی ندارد، زیرا که بقیه در صفحه ۲

تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس گسترش می یابد

اسد در ظرف ۴۸ ساعت، ۸۵۰ نفر حیراز از لسکر ویره هوایرد ۸۲، در هر مطفای از خاور سردنک و منابه بنیاده کند.

ار سس از نوطئه نادر حرام طیس، در منطقه خلیج فارس، سکه هرمز و اقیانوس هند ۲۵ ساؤ جنگی و دژ ناو هواپیمابر اسفرار دارد، که حامل واحدهایی از سفنگاران دریایی، ۱۲۵ فانسوم، ۱۰۰۰ تانک و در حدود هفاد هلیکوپتر هسند. به گزارش سلوزیون "ای. بی. سی." آمریکا، کاح سفید و سناگون، یک هغه سس از "طیس"، طرح های جدید نوطئه و مداخله نظامی آمریکا را علیه ایران بررسی و دستور اجرای آنها را دادند. حاصل نقسه کودتای ۱۸ تیر بود، که در رتو هوسپاری نیروهای انقلابی عقب مانده، اما دسیسدکاران "سناگون"، به سرکردگی بریسنکی هار، از اربی - گیری توطئه های خود برای براندازی جمهوری اسلامی ایران و سکت انقلاب ایران بار نداشت.

مرحله جدید این نوطئه هم اکنون با تقویت و گسترش تدارکات جنگی و واحدهای تازه دریایی و هوایی آغاز سده است. چنان که چند روز بیس خبر دادیم، به گفنه یک سخنگوی "سناگون"، ایالات متحده آمریکا بار دیگر بگان هایی از نیروی دریایی خود را، مرکب از ۱۸۰۰ سفنگدار، به اقیانوس هند گسیل داسته است و قرار است که واحدهای نامبرده در مانورهای ناو گروه عظیم آمریکا، که اینک در سواحل ایران در خلیج فارس در جریان است، شرکت ورزند. ظاهرا این مانور، کام دیگریست برای بیس برد نقسه بمباران هواپیسی و اشغال نظامی مناطق جنوب، بنیاده کردن تفنگ داران دریایی و واحدهای ویره سرکوب و ایجاد سر بل تجاوزی با کمک عناصر ضدانقلابی درون کسور. دولت بعضی عراق نیز با عملیات نجاوزکارانه خود در نواحی مرزی باحتری و جنوب ایران، نقش برجسته ای در این توطئه بازی می کند.

از سوی دیگر همه "منزها" و دستگاه های جنگ روانی امیرالیسم به کار افتاده اند و با نسسر اکادیمی، که آخرین نمونه آن را چند روز بیس به نقل از "فابنسال نایسیر" خبر دادیم، می گویند با علم کردن دشمن ساختگی و بیس بینی "حمله" اتحاد شوروی به ایران، اذهان را از نقطه های لبید خویش منحرف سارند.

باید با هوسپاری کامل این نقسه طرح ریزان سناگون را نیز رسوا کرد و افکار عمومی جهان را به مقابله با خطر نظامی سناگون در سواحل و آب های ایران برانگیخت.

اقیانوس هند و خلیج فارس سالهاست که به سب موقصد اسنرابریک و نظامی حدود، نقش رجسته ای در سیاست جهان سمول امیرالیسم، به برکردگی امیرالیسم آمریکا، بازی می کنند. بریالیسم آمریکا همواره کوسیده است، تا با حضور نظامی خود و خوس خدمی راندارم هاس در این نطفه، به ادعای خویش به حط به اصطلاح منافع، بود ببردازد، و در واقع سراطیادامه چاول منابع سی کشورهای منطقه را فراهم آورد. به اصطلاح افع امیرالیسم آمریکا در سواحل جنوبی کسورما محنن مقابله با جنس های آزادی بخش ملی، به ره انقلاب ایران را در بر می گیرد.

سرتکونی ریبم ساه نه تنها با به های سلطه تصادی، سیاسی و نظامی امیرالیسم آمریکا را در بهر ما ریسکن کرد، بلکه هم چنین به منزلت، نوط سوزانداری سناگون در منطقه بود. به همین بل نیز آمریکا سس از سروزری انقلاب ایران، تلاش بد را برای یافتن مواضع جدید اسنرابریکی شدت بسید و به تحکیم سبکه گسترده بایگاه های نظامی بد دست یازید. سناگون، که از نخستین لحظات با از بیروزی ۲۲ بیمن، اندیشه بازیابی سترگی ی از دست داده را در سر می بروراند و سیاست امحه آمیز و سازسکارانه "دولت موقت" نیز آن را تحقق این آرزو نسوق می کرد، خلیج فارس را یکی از مهم ترین حلقه های زنجیر محاصره ضد لابی خویش مبدل ساخت.

چنان که ناخدا یکم بهرام افضلی، فرمانده وی دریایی ایران، در مصاحبه ای با "کبهان" ننه ۱۸ مرداد ۱۳۵۹) به درستی یادآور شد:

"هدف اصلی آمریکا از حضور این چنین گسترده

یگا در منطقه، دو اصل کلی است: یکی جلوگیری گسترش انقلاب اسلامی ایران به کشورهای هم - ر و دوم به خاک و خون کشیدن انقلاب ایران."

امیرالیسم آمریکا به راسی از این که دیگر های منطقه، به ویژه جنبش آزادی بخش کسور - عرب، با رهایی از بند ریبم های دست نشاندده بگا و دیگر امیرالیست ها، ضربه های سهمگین ری بر بیکر سوش فرود آورند و جبالگریس را بخشی دیگر از جهان محدود سازند، به وحشت افتاده است. از سوی دیگر، تعمیق انقلاب ن و اندیشه از دست دادن ایران برای همیشه، با به تلاش دیوانه واری واداسه است.

لسگرکی مستمر سناگون به خلیج فارس و بس هند بخشی از سیاست انقلاب سکنانه، کاح بسینان است. هارولد براون، وزیر دفاع ت متحده آمریکا، چندی بیس در مصاحبه ای عانی با ستریه "یو. اس. نیوز اند ورلد" اظهار داست که، در سال های آینده ک دولت آمریکا هر ساله ۵ میلیارد دلار برای حات و واحدهای نظامی مستقر در منطقه، م فارسی تخصیص خواهد داد. ژنرال کرلی، ده "سناه واکس سریع" اعلام داشت که قادر

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

حجت الاسلام رضوانی نماینده امام در یادگان نوزه: آمریکادست از توطئه بر نمی دارد و حالاهم دست اندر کار توطئه است

حجت الاسلام رضوانی ، نماینده امام در یادگان نوزه ، در یک گفتگوی رادیویی ، که در روز چهارشنبه ۵/۱۵ بطن گردید ، بطر خود را راجع به توطئه کودنای آمریکایی بیان داشت . حجت الاسلام رضوانی گفت :

" من یقین دارم که با توجه به موضع خاص ضد امپریالیستی انقلاب ایران ، مخصوصا ضد امریکایی آن ، امریکا که در رابطه با ایران و آن نقشه نظامی اش دچار یک شکست بسیار بزرگ جهانی شد و اقتضای بسیار بزرگی را استقبال کرد ، دست از توطئه بر نمی دارد . و حالاهم دست اندر کار توطئه است . من فکر می کنم که چون کشور عراق ، این صدام کثیف خود مزدوری است ، از وجود این و از این که حکومتش در دست اضحلال است و ارتش او در دست متلاشی شدن ، بخواهد این جا را بصورت یک منطقه ناامن در بیاورد ، تا منطقه خودش از خطرهای احتمالی این منطقه محفوظ بماند ، و امریکا از این مجال و فرصت سوء استفاده می کند و چه سا امریکا با سوء استفاده از عراق و یا بعضی از این عوامل تحت استعمار خود یک نقشه های را پیدا کند . ملت ایران باید همیشه آماده باشند و بر سنل نایگاه هم باید همیشه مهیا باشند و الان حتی در سخنرانی همین امروز ظهر ، من به بر سنل اعلام کردم که صد درصد در همه وقت آماده باشند و هر زمان این احتمال را بدهند که دشمن در حال پیاده کردن نقشه است و اینها درصد خفتی کردن نقشه و توطئه باشند ."

حجت الاسلام رضوانی در مورد توطئه طیس و ارتباط این توطئه با توطئه پایگاه نوزه گفت :

" کارهای امریکا یک کارهای زنجیره ای است . ما دیدیم که در توطئه طیس هم دست خائنین ارتش در کار بود . ما در جریان طیس ، برنامه مهرباد و غیره را فراموش نمی کنیم . ما متاسفیم که چرا هنوز هم شادپیر مانده است . ما متاسفیم که چرا باقری را هنوز نگه داشته اند . و حتی از باقری دفاع می شود . من اعتقاد این است که در قضیه طیس ، که توانستند از خائنین در ارتش سوء استفاده کنند و در این قضیه هم توانستند به این علت که در قضیه طیس خائنین تعقیب نشدند و ماندند ، آنها جرات و جسارت پیدا کردند . حالا که در مملکت هیچ خبری نیست ، پس ما انجام بدهیم . این قضیه دوم نتیجه جرات قضیه اول بود . در قضیه اول کدام عامل دستگیر شد ؟ چرا عامل بنب باران آن هلیکوپترها ، چرا عامل قتل آن ماسدار تعقیب نشدند ؟ چرا مردم را در جریان این مسایل قرار ندادند . اعتقاد من این است که ایران زمان شاه را ، که همه در رابطه با خیانت به مملکت امیر شدند ، این امیرها را کنار بگذارند . این امیرها خدمت نخواهند کرد . اگر خیانت نکنند مزدورند . حالا مزدور خودی اند ، اگر مزدور بیگانه نباشند . من اعتقاد این است که این امیرها را بردارند . این امیرها هیچ کدام آنها خدمتی به این مملکت نخواهند کرد ."

س - در مورد واقعه طیس آیا رخدادهایی در این پایگاه بوجود آمد که نشان دهنده جریانی با آن واقعه باشد ؟

حجت الاسلام رضوانی : " بله ، حتی یک زنی که ما جقدر گفتیم که او را تعقیب کنند و تعقیب هم نکردند ، گفته بود : " من یک خوابی دیدم و خوابم این است که تا روز جمعه انقلاب ایران سکست می خورد " و به تعبیر او : " خمینی هم از بین می رود و شاهنشاه هم تشریف می آورند و اگر هم اینطور نشد ، دست من را قطع کنید " . البته تا به حال دستش قطع نشده و از رادار هم مطالبی گرفته شده بود ، که آن مطالب بیان گر این بود که نقشه هایی در دست اجراست ، توطئه هایی در دست انجام است . اما اینها چون رابطهای نداشتند ، نمی توانستند بجهتند که این مسایل و این قضایا در چه رابطهای مطرح می شود و در خود نایگاه هم گفتگو هایی هم بود که : " بله می آیند " و یا " اگر این حکومت آخوندها پایان نپذیرفت "

یکی از برنامه هایی که برای اجرای این توطئه می کردند این بود که من از پایگاه بروم بیرون و یکی از کسانی که نقش موثر داشتند تیمسار باقری بود . و این دلیل بر اینست که تیمسار باقری دارای نقش مهمی در بوجود آوردن این توطئه بود . من نمی دانم چرا هنوز هم هست و از حمایت می شود ."

س - در مورد عواملی که در این جا اشاره نمودید ، در این پایگاه ، آیا اینها ساخته شده اند یا نه ؟

حجت الاسلام رضوانی : " البته این کسانی که

س - از نظر شما چرا اقدامی نمی کنند ؟
حجت الاسلام رضوانی : صرفا سهل انگاری و شاید باور نکردن به انقلاب برای بعضی از آن سردمدارها . البته نه مسئولینی که الان مسئولین مهم مملکتی هستند ، چون آنها احساس مسئولیت می کنند ، ولی شاید خوش باور باشند ."

س - خیلی متشکر از این توضیحاتتان . در آخر می خواستم از شما بپرسم اگر اطلاع دارید درباره انگیزه و دلیلی که باعث شد این افراد توطئه گر در این توطئه شرکت کنند ، برای ما توضیحاتی بفرمایید ؟

حجت الاسلام رضوانی : " علت اساسی این بود که اینها از انقلاب اسلامی ایران ضربه بسیار مهمی خورده بودند ، خیلی از امتیازاتشان را مانند داشتن گماسته و عیاشی و بی بندوباری و فساد و تباهی ، و اینها این امتیازاتی را که آنها بسرای خودشان امتیاز فرص می کردند ، از دست دادند . و اینها برای باز یافتن یک چنان آزادی در بی بند و باری دست اندر کار تلاش هستند ، از اینکه در جمهوری اسلامی بخواهند افرادی منز و پاک باشند رنج می برند ، از اینکه آزادی برای عیاشی و کباباره اینها عکس هایی از همین اشرفان دستگیر نشده هست که با زنها یسان قبلا در این باسگاهها چه می کردند . هنوز عکسهایشان را ما داریم . ماسک می زدند و همه مرد و زن درهم می ریختند و همه از هم استفاده های نامشروع می کردند . اینها را از دست دادند . ناراحتند . حالا یک برنامه پیش می آید که احتمال می دهند و یا یقین دارند که اگر یک برنامه آن چنانی پیش بیاید ، در آن برنامه این بی بند و باریها تاین می شود و آنها هم در بی بند و باری شرکت می کنند ."

س - با در نظر گرفتن این مطالب که اکثر این افرادی که در این توطئه شرکت داشتند تا قبل از توطئه مصادر اموری بودند و انجام وظیفه می کردند به ظاهر برای جمهوری اسلامی و با توجه به این مطلب که اینها دراز زیرافکارها هستند و طاغوتی بودند ، آیا شما چه پیشهائی می کنید برای ساخت دوباره این افراد ؟ و یا بازسازی ارتشمان ؟

حجت الاسلام رضوانی : من اعتقاد بر این است که ارتش از نظر مکتبی باید روی بسیار بسیار کار بسود . باید در بین بر سنل مختلف نیروهای مسلح کلاسهای توجیهی از نظر انقلاب بگذارند . اینها هنوز انقلاب را نمی فهمند . اینها در آغوش امواج انقلاب قرار گرفتند . بعضی تسلیم شدند با رضایت ، بعضی تسلیم شدند با زور ، بعضی ناچار شدند به تسلیم . و اینها بسیار یسان انقلاب را باور نکردند ، و اگر انقلاب را قبول کردند ، انقلاب را نشناختند . باید از نظر مکتبی کار زیادی بود و عناصر فاسد ارتش هم تصفیه شود ، یعنی ارتش درش تصفیه خیلی صورت بگیرد و ملاحظه این نکند افرادی که متخصصند حالا قاسد هم باید باشند . برای این که اینطور نیست که بعضی از کارها طوری باشد که از عهده دیگری بر نیاید . و اگر چنین افرادی را هم بخواهند نگهدارند ، باید روی دست آنها مراقب بگذارند و اگر تصفیه ، از طرفی تصفیه آگاهانه ، تصفیه حساب شده ، با همه آینه نگریش انجام بگیرد و از نظر مکتبی هم روی ارتشها کار بسود . در بازسازی ارتش نقش بسیار موثری دارد . و باضافه این لازم است اینست که نهادهای رژیم طاغوتی را ، که بر مبنای تبعیض هست ، در ارتش و تبعیض در حد فراوانی در ارتش هست ، این را از بین ببرند . الان در ارتش ما هم گروه گزایی پیدا شده ، هم تبعیض . اگر مکتب اسلام را ، آن گونه که هست ، پیاده کنند و اختلافاتی را که در بین برداستهای سران این قوم هست از بین ببرند ، یک ارتش مکتبی از سوی بسازند . مسئولین هم کار کنند تا ایجاد بدبینی در بین ارتشی ها نشود و نهادهای طاغوتی را از بین ببرند و تبعیض را ، تبعیضی را که از همه چیز مهمتره از بین ببرند ، این ارتش بازسازی خواهد شد و در خدمت اسلام و ایران خواهد بود ."

حجت الاسلام رضوانی : من اعتقاد بر این است که ارتش از نظر مکتبی باید روی بسیار بسیار کار بسود . باید در بین بر سنل مختلف نیروهای مسلح کلاسهای توجیهی از نظر انقلاب بگذارند . اینها هنوز انقلاب را نمی فهمند . اینها در آغوش امواج انقلاب قرار گرفتند . بعضی تسلیم شدند با رضایت ، بعضی تسلیم شدند با زور ، بعضی ناچار شدند به تسلیم . و اینها بسیار یسان انقلاب را باور نکردند ، و اگر انقلاب را قبول کردند ، انقلاب را نشناختند . باید از نظر مکتبی کار زیادی بود و عناصر فاسد ارتش هم تصفیه شود ، یعنی ارتش درش تصفیه خیلی صورت بگیرد و ملاحظه این نکند افرادی که متخصصند حالا قاسد هم باید باشند . برای این که اینطور نیست که بعضی از کارها طوری باشد که از عهده دیگری بر نیاید . و اگر چنین افرادی را هم بخواهند نگهدارند ، باید روی دست آنها مراقب بگذارند و اگر تصفیه ، از طرفی تصفیه آگاهانه ، تصفیه حساب شده ، با همه آینه نگریش انجام بگیرد و از نظر مکتبی هم روی ارتشها کار بسود . در بازسازی ارتش نقش بسیار موثری دارد . و باضافه این لازم است اینست که نهادهای رژیم طاغوتی را ، که بر مبنای تبعیض هست ، در ارتش و تبعیض در حد فراوانی در ارتش هست ، این را از بین ببرند . الان در ارتش ما هم گروه گزایی پیدا شده ، هم تبعیض . اگر مکتب اسلام را ، آن گونه که هست ، پیاده کنند و اختلافاتی را که در بین برداستهای سران این قوم هست از بین ببرند ، یک ارتش مکتبی از سوی بسازند . مسئولین هم کار کنند تا ایجاد بدبینی در بین ارتشی ها نشود و نهادهای طاغوتی را از بین ببرند و تبعیض را ، تبعیضی را که از همه چیز مهمتره از بین ببرند ، این ارتش بازسازی خواهد شد و در خدمت اسلام و ایران خواهد بود ."

س - از نظر شما ، آیا تا زمانی که این ارتش به این ترتیب که شما فرمودید ، یعنی بازسازی مکتبی و همینطور تصفیهها ، تا زمانی که این تصفیهها صورت نگرفته ، آیا می توان تکیه کرد به این ارتش ؟
حجت الاسلام رضوانی : من اعتقاد بر اینست که بر کل ارتش نباید تکیه کرد ، اما ما مومنین که نیروهای انقلابی در ارتش حافظ منافع این مملکت خواهند بود ."

تشدید گرایشهای فاشیستی در اسرائیل

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل جندی پیش هشتاد ردا دکه ، نشانه های جدی گرایش های فاشیستی اسرائیل را تهدید می کند و همه احزاب کارگری و نیروهای سیاسی آزادی خواه و صلحدوست آن کشور را فرا خواند ، تا با اتحاد عمل خود ، در راه پیشگیری از خطر فاشیسم کوشا باشند . قطعنا مه سیاسی پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل ، که از جمله فراخوان تا مبرده راهبرسر میگردد ، می افزاید :

رژیم اسرائیل ، بویژه دولت لیکود ، که نماینده بورژوازی بزرگ و افراطیون راستگراست ، کشور ما را در بحران اقتصادی و اجتماعی زرف غرق کرده است . در حالیکه فقرهای وسیع زحمتکشان هر چه بیشتر در فقر و فلاکت زندگی می گذرانند سرمایه داران داخلی و خارجی به سود هنگفت خود می افزایند . از سوی دیگر ، آزادی های دمکراتیک هر روز محدودتر می گردد .

رژیم لیکود ، برای آنکه به انفعال مناطق عرب نشین ادا مدهد ، هر چه بیشتر به روشهای وحشیانه دست می یازد . برای نمونه ، میتوان از برقراری حکومت نظامی ، منع عبور و مرور ، مجازات گروهی ، تبعید فلسطینی های نامدار ، و سران کردن خانه ها ، توقیف اعمتای بیون دانش آموز ، دانشجویان ، کارگرو حتی کارفرما ، نام برد .

دربر توحامات نیروهای اشغالگر و دولت بگین ، با ندهای فاشیستی به ارماب سکنه فلسطینی می بردا زندو آنها را به بیرون راندن اسرز میین با واجدا دیتان تهدید می کنند . سو قصدیه شهر داران نالیویر رمله والیبره از دیگر دسیسه های جنایت کارانه این عناصر بود . سیاست توسل به قهر هر چه بیشتر به داخل اسرائیل نیز سرایت می کند . روزی نمی گذرد که دردا نشکا های اسرائیل ، عناصر سووینیسیت و تروریست به اعراب دانشجویان یهودی مترقی حمله ور نشوند . در رسانه های گروهی اسرائیل از مباح تسای شب شهر دارهای دمکرات و شخصیت های اقلیت فلسطینی - عربی را ، که هر چه باشد ۱۶ درصد سکنه اسرائیل را تشکیل می دهد ، به باد دشنام می گیرند جندی است که مسئولان حزب کمونیست اسرائیل و تشیقات و محدود دیت های گوناگون ، از جمله منع سفر ، بازداشت و مراقبت پلیس می شوند . کمونیست ها ، شخصیت های مترقی شما پندگنان کشت ، وکلای مدافع و روزنامه نگاران که به ان نشکا دا ز رژیم اشغالگر می پردازند ، از سوی با ندهای تروریستی - فاشیستی با مطلق مخفی به بمب گذاری ، ضرب و ستم و حتی مرگ تهدید می گردند . جندی پیش یکی از این گروه های اوپاش به دفتر حزب سلی ، یکی از احزاب چپ اسرائیل ، در تل آویوهوم برد ، آنرا ویران ساخت و درودیدو را به نعره های فاشیستی آلوده کرد ."

قطعنا مه پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل گفته شارون ، وزیر کما ورزی ، را با دا ورمی شود که ، برای او امنیت برتر از قانون اساسی است . این گستاخی حتی معا ون نخست وزیر و سدر حزب لیبرال ، سیم چارلسین ، را به واکنش وادا ر کرد . وی گفت که بدین ترتیب با بدبین آن داشت که مبادا زئیرال شارون و عوانش بز دوی مخالفان سیاسی و از جمله خود او را نیز به اردوگاه های فاشیستی بیاندازند .

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل تصریح می کند که با بد متحد و پیگیر به پیکار علیه فاشیسم بیا خاست .

بموجب ارزیابی حزب کمونیست اسرائیل ، با یگاه دولت لیکود در میان مردم اسرائیل هر چه بیشتر محدود میشود و هر روز گروه بزرگتری از مردم از خواست حزب کمونیست ، مبنی بر کناره گیری دولت ضد کارگری و جنگ افروزی بگین ، پیشبانی می کنند . عامل تا مبرده و افراد فزاینده رژیم لیکود در صحنه بین المللی چشم انداز نوید بخشی را برای مبارزه در راه اسرائیلی ملح جوود مکررا تیک بدید می آورد .

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی ، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ ، دلالتان و محترکان است

فردی که خود را انقلابی می نامد، با وجدان اجتماعی خود اتمام حجت میکند

انقلابی بودن یعنی: اجرای وظیفه، نه کسب غنیمت و معامله گری

کادربخی بانکرانی از ما می پرسند: " آیا انقلاب ایران به بیروزی نهایی دست می یابد؟ " "آیا انقلابیون توده ای را - اگر از حجت خدا انقلاب برهند - متحدین ناسیگر آنها در انقلاب تهدید نمی کنند؟ "

به این سؤالات تنها عالمان به غیب مینوانند پاسخ قطعی مثبت یا منفی بدهند.

قاعدتا برای فرد انقلابی این مطلب - یعنی سکست یا سرورزی شخصی و حزبی و حتی نهضت - نباید جای اول را، بعنوان مبنای تصمیم گیری سیاسی و حیاتی، داشته باشد. البته برای همه انسانها عواطفی از قبیل "نگرانی در مورد سرنوست" "سوق سرورزدن"، "گراش از سکست"، "بیم از خدعه" حالات طبیعی است و همیشه در تاریخ بوده است و خواهد بود. ولی انقلابیون واقعی و آرمان برست مسئله "اجرا و وظیفه" انسانی و انقلابی را بالاتراز همه آنها می گذارند، یعنی برداشت آنها از جای دیگری است.

معنی این سخن چیست؟ معنی این سخن این است که فرد انقلابی، که واقعا سیفته، یک آرمان برنگ و انسانی است، بیس از اینها در صراط مبارزه، با خود اتمام حجت می کند و به خود می گوید:

"بنی طرفدار تحول مثبت و بنیادی وضع موجود هستم و تسلط غارتگرانه ملی بر ملت دیگر و بهره کسای طبقه های از طبقات دیگر و جهالت و محرومیت مادی و معنوی توده ها را امری غلط و غیر عادلانه و ضد بشری می دانم و بر آنم که سکوت در قبال این ستمهای اجتماعی، نوعی کمک به سوتی و دوام ستمگری است، لذا وظیفه انسانی و ایرانی خویش می سمزم که علیه ستمی که از خارج و داخل برخاسته من و بر توده های زحمتمسک کشورم اعمال می شود، علی رغم خطراتی که از عمل من ناسی خواهد شد، برخیزم. میدانم که همه کسانی که درینجا این وضع دیدم دخل و ذیعلاقه هستند، خیزم و بیگار را تحمل نخواهند کرد و به آن باسخی که در خورد اخلافیاب راهزنانه و ستمگرانه آنهاست خواهد داد و مصلحت بقاء سناست و بهره کسای خود را حتی در محو جسمی رزمندگانی مانند من می سمردن، ولی من ترجیح میدهم که در نبرد بخاطر تکامل جامعه، نری و بیسرف و رهایی کسور مردم ایران و خلقهای اسیر جهان به سعادت برسم، با آنکه با خواری و سکوت و اطاعت و عملا حیانت به هموع و ترک در غارتگری و ستمگری به "زندگی" خود ادامه دهم، با حد صباخی بیسری زیسته باشم."

این اسام حجت، اس بیما با خویش و سن حفظ وفاداری به عهد و به آرمان، علی رغم هر چه پیش آید (از تساو و خدعه دشمن گرفته تا سست عهدی دوست)، جوهر اساسی بودن و انقلابی بودن است. یک انقلابی که در تکامل صفات و سجاای خود به آنجا رسید، دیگر بر ایس حوکتی بایان نبرد حندان ثناوی ندارد؛ اگر سرورز سود، (که البته باید با تمام نیرو بخاطر آن مبارزه کند) بساخر خرسد و سادمان اسب، ولی اگر سکست بخورد و یا حتی در خطر نابودی قرار گیرد، سعجی نمی کند. می داند که مبارزه و انقلاب کاریزی نیود و نیست و ضد انقلاب جلی وحفی نسب به انقلابیون اصیل و سکیر، نرحمی ندارد. اگر ترحم داشت که اسمس ضد انقلاب نیود؛ در سردهای طفلی تاریخ حلوا قسمت نمی کنند. جنگ طبقاتی مانند جنگ نظامی دارای اجمال فتح و سکست و تلفات است. لذا انقلابی بودن با معامله گری فرق دارد. اگر کسی بگوید من برخی "زحمت" و "خطرات" کوچک و متوسط مبارزه را می بپذیرم، بشرطی که... آری بشرطی که یک بیروزی بزرگ برای من صد درصد تضمین سود، این شخص بنیام معامله گراست و انقلابی نیست. عرض خود می برد و زحمت ما میدارد. حسین کسی به تر است نه صحنه نیاید و در گوهای خود را حفظ کند. به قول مولوی:

" سر به سر بر کن قدح را، موی را کنجنا سده وانگیزی میدان برسد، کو بود رخانه باس! " البته هر فرد انقلابی به بیروزی علاقمند است و باید هم علاقمند باشد، و در سم بیروزی عمل می کند و باید هم عمل کند. انقلابی بودن سکست برنی و "زبان بردن" و "شهادت بخاطر شهادت" نیست. ما انقلابیون طراز نویسی زندگی را با تمام نیروی روان خود دوست می داریم و آنرا بالاترین و مهمترین نعمت مسما ریم و طرفدار سیاس بازیهای قمار آمیر و ماجراجوییهای کودگانه نیستیم. ما ساجع انقلابی را با حداکثر دقت و احتیاط،

به فاصله دو کیلومتری جاده کفتسک (سیراز)، در دل کوه، کارگران با ابتدا بیترین وسایل کوه را منفسجر می کنند و سنگها را به صورت قطعات کوچک در می آورند. این سنگها به شپرحمل می شوند، تا در زیر بنای ساختمان مورد استفاده قرار گیرند.

در این منطقه ۶ معدن سنگ وجود دارد بزرگترین معدن این منطقه در مالکیت برادر ایزدی (وزیر کما ورزی دولت موقت) است و بوسیله نمایندده و اداره می شود. ایزدی در کنا معدن مقدار وسیعی زمین کشا ورزی، یک باغ بزرگ و یک ویلا دارد. یکی دیگر از معدن، که از نظر رونق هم سطح معدن ایزدی است، در مالکیت یک تاجر بزرگ میدان میوه است. چهار معدن دیگر متعلق به خرده مالکان روستاهای اطراف است در این معدن بین ۶ تا ۱۲ نفر کارگر کوه کن کار می کنند.

این معدن، که در دل کوه قرار دارد، در محدوده زمینهای کشا ورزی مالکان خرده مالکان هستند. مالکین برای استفاده از سنگ این کوهها، هر کدام با توجه به قدرت مالی، یک یا چند دستگه کمبر سورها خردا ری کرده اند و با استفاده از نیروی کار خوش نشینان روستاهای اطراف از سنگهای کوه استفاده می کنند.

در تمام معدن این منطقه، کارگران بگونه مشا بیهی استنما می شوند برای بیان بخش کوچکی از وضع اسف بار این کارگران، به یکی از معدن می رویم و به در دل کارگران گوش می کنیم.

این معدن متعلق به یکی از خرده مالکان روستای مجا و راست در این معدن ۸ نفر کارگر با روت سیاه کوه را منفسجر می کنند و سنگها را آماده حمل می کنند. با یکی از کارگران، که سیر مرد سیه خرده ای است صحبت می کنیم.

با حداکثر محاسبه دقیق بسود پیروزی، هر اه می کنیم و در مبارزه به جان و امنی مبارزان ارج می گذاریم. این دوجت، بمنظرا، نه فقط متناضف نیست، بلکه مکمل یکدیگر است.

بزرگترین انقلابیون جهان بدون محاسبه بیروزی فردی، ولی دنیفا و کاملا در جهت پیروزی جیش عمل کرده اند. برخی از آنها ایدا رنگ سرورزی را ندیدند. ما در جریان مبارزات خود می توانیم از حیدر عواغلی، ارانی، فریدون ابراهیمی، سیاک، روزبه، تیزی، تورج حیدری و هزارها سید دیگر نام ببریم. در گوهای دیگر انقلابی، اعم از مسلمانان مبارز با غیر از آن، سرمسوا از هزاران شهید نام برد. این شهیدان اسعمار و اسیداد از آن اندازه بیروزی که اکنون نصب ما شده، نیز بهر اید نداشتند. آنها زمانی زندگی جوان و بکوهان خود را فدا کردند، که رضاسهلوی یا محدر صاهلوی و دسگاه جهنمی بضیی و قسار آنها، با سستیانی امریالیسم، با نهاب قدرت و طنطنه و نقرن و اطمنان بخود بر تخت فرمانروایی نسنه بودند. ما لاقل سقوط ننکی این دو طاغوت استعمار برورد را بدحسم خود دیدیم. به قول ساعر:

دمی آب خوردن سن از بدسگال به از عمر هفتاد، هسناد سال عرب می گوید: " عن طیب الحیده، ان تری موت العده"، یعنی از زبانبهای زندگی دیدن زوال دشمنان است. البته به شرطی که دشمن شخصی نباشد، بلکه دشمن خلق باشد، زیرا انقلابی از "انقنا جویی شخصی" بدور است. انقلابی به احدی کینه شخصی ندارد و نسبت به عواطف مست و منفی شخصی خود اگر لازم باشد، کدست های بزرگ می کند.

آری، نسل انقلابیون امروزی بیروزیهای بزرگی را دیده اند. هنوز البته رسه بیروزیها ناقص است و تساقوط طفلی امریالیسم در جهان باید ادامه یابد. ولی، در این نبرد طولانی و خویش، مسلم است که همه سربازان آزادی و اسعلال و عدالت، از حنک زهر آکین دسی زخم خورده، کین جو و خسناک، نخواهند رس. لذا مبارزه با محاسبه تلفات، خطر ها و سکسها، بناگزیر باید همراه باشد.

آری، میتوان با اطمینان صد درصد پیروزی نهایی بسریب بر امریالیسم را در آینده ای، که آنهم آننوی کودها نیست، وعده داد، ولی برای این بیروزی سرت و قس و سکل ننی توان معنی کرد. و انقلابی کسی نیست که عطر دل او بیروزی را بسنود، ولی خطرات نبرد بخاطر آن را نبیند. انقلابی کسی است که با مبارزه، فداکارانه خود اس بیروزی را هر چه نزدیکتر و هر چه مطمئن تر می کند.

معدن سنگ شیراز فرهادهایی که دل کوه را به عشق لقمه ای نان می شکافند



در مورد خود می گوید: "من خوش نشین وساکن روستای کفتسک هستم. چهار سال است که در این معدن کار می کنم و کوه را می کنم این کار خیلی مشکل است. از ظهر به بعد آفتاب پزرا را در می آورد. گرمای اینجا نزدیکهای ظهر از آس جهنم بدتر است اگر دولت به من زمین بدهد، یک دهقه نیز اینجا نمی مانم. در زیر آفتاب کار می کنیم و هر کدا ممان روزی یک سطل بزرگ آب می - خوریم. از طلوع تا غروب آفتاب کسار می کنیم. بابت هر ما سین سنگ ۲۰ تومان مزد می گیریم. روزانه اگر کار رونق داشته باشد، ۷ ما سین روزهای کسا دی، ۳ تا ۴ ما سین سنگ تحویل می دهیم. از این ۲۰ تومان باید ۱۰ تومان بول با روت سیاه برای منفسجر کردن کوه بدهیم. در ازای هر ما سین سنگ برای ما ۱۰ تومان میماند ما در اینجا از هیچ مزایایی برخوردار

نیستیم. هر روز کارگر داریم، حقوق داریم، (نه تعطیلی، نه مرخصی و نه بیمه و...) (املا را به حساب نمی آورند. هنگام منفسجر کردن با روت با دا دوفریا دبه کارگران خبر میدهم اگر کسی زخمی بشود، در این اطراف در مانگاه نیست و باید زخمی را به شهر ببریم.

ما صاحب معدن از هر ما سین سنگ ۴۰ تا ۵۰ تومان از ما صاحب ما سین بول می گیرد. ۲۰ تومان آنرا به کارگر کوه کن می دهد. ۵ تومان آنرا نیز عوارض میدهد، کارگران مدعی بودند:

"کارفرما دروغ می گوید، و این ۵۰ تومان را از مزد ما کم می کند و خودش بر می دارد. ما صاحب ما سین نیز سنگ را بطور متناوب بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ تومان می فروشد. هر ما سین در معدن، دونه کارگر دارد که سنگ را با ما سین می کنند، هر کدام از کارگران روزانه ۱۰۰ تومان مزد می گیرند و از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد ظهر کار میکنند. این کارگران نیز بهمانند کارگران کوه کن از هیچ مزایایی برخوردار نیستند کار آنها بمراتب سخت تر از کارگران کوه کن است. روزانه بطور متوسط ۱۶ بار ما سین را بر می کنند.

تمام کارگران این معدن را خوش نشینان روستاهای اطراف جاده کفتسک تشکیل می دهند بدون استثناء روزی تمام آنها تقسیم مینمای مالکان و بر داختن بکار کشا ورزی است تمام کارگران از گرانی و کمبود کالاهای مورد نیاز زنگران هستند. یکی از کارگران در این مورد میگوید: "ما در این گوته از کوه کار می کنیم و از هیچ جا خبر نداریم و همه چیز را از آنرا از شهر می خریم. در محل کار مهم ترین کالای مورد نیاز ما سیکا راست، در زیر آفتاب کار می کنیم و اگر سیکا رنگسین، سرکیجند می گیریم. ولی الان سیکا ری نیست و سیا خیلی گران است. در دهه هم که هیچ چیز نیست. روغن و برنج و تا بدیا نیست و یا خیلی گران است. روستاییها همه چیز را از شهر تهیه می کنند. ولی ما نمی توانیم کار را تعطیل کنیم و بشهر برویم، زیرا با این همه کار کردن زندگی ما به سختی می گذرد و نمی توانیم کار را تعطیل کنیم"

کشورهای امپریالیستی تکیه گاه نژادپرستان آفریقای جنوبی

هر چند برخی از سران کشورهای امپریالیستی گاه گاهی به سرزنش ریاکارانه رژیم خون آشام بوتامی پردازند، ولی این کشورها در واقع مطمئن ترین تکیه گاه نژادپرستان آفریقای جنوبی هستند و رژیم آپارتیست منبج بس سوداوری برای چپا ولگری آنهاست.

علیرغم تصمیمات تحریم آمی - سال زمان ملل متحد، کنسرن های غربی سالانه به سرما یه گذاری خویش در آفریقای جنوبی افزوده اند. این سرما یه گذاریها در سالهای ۵۶-۱۳۴۹ از ۵/۸ میلیارد رنده به ۲۱/۳ میلیارد رندا فزایش یافت. افزایش سالانه سرما یه گذاری کنسرن های غربی از آن سال تا کنون، از این نیز بیشتر بوده است. شمت در صد این سرما یه گذاریها از سوی کشورهای "جامعه اروپا" انجام میشود، که بیش از هزار شرکت در آفریقای جنوبی تاسین کرده اند. تنها، ۴۰۰ بانک و بنگاه صنعتی جمهوری فدرال آلمان تا دیماه ۱۳۵۸ بیش از ۱۰ میلیارد دلار در آن کشور سرما یه گذاری کرده بودند. علت سرازیر شدن سرما یه به آفریقای جنوبی اسکا راست: آپارتیستی سود- افزایی رویا انگیزا طریق استعمار برده وار سیاهان محروم از هرگونه حقوق انسانی. برای نمونه، بهره کنسرن های آمریکایی از بابت سرما یه گذاری در اقتصاد آفریقای جنوبی دو برابر رقم مشابه در ایالات متحده است.

چندی پیش روزنامه "بلیک دورس دی- ویرشافت" (آلمان غربی) اذعان

بزرگ مالکان در میان دهقانان «برسیان بر آن» تفاق می اندازند

ده "برسیان بر آن" در ۳۵۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان واقع شده است. در این ده، بزرگ مالکس ۱۸۰۰ جریب و سایر روستائیان روپیهم در حدود ۸۵۰ جریب رمین در اختیار دارند.

بس از تصویب قانون اصلاحات ارضی بزرگ مالکان در صد دو طبقه برآمدند و دهقانان بی زمین را علیه کم زمینها تحریک می کنند. اسان حی برای رسیدن به مقاصد سوم خود از ایجاد دو

دستی و تفاق در بین اعضا یک خانواده نیز خودداری نکردند، به نحوی که حی برادر را در مقابل برادر سه دعوا و در وجود گداخته اند.

این یک سیوه رندلاسه بزرگ مالکان است که در این اواخر حی با ده دهقانان باید گاملا هسبار باشند. با هنگامی که قانون اصلاحات ارضی بنا حراکداسه نسود، مالکین بزرگ همحان به بوطنه های خود علیه کساوران ادامه خواهند داد. به اجرا کداردن صوری و فاطمانه قانون اصلاحات ارضی واقعی و خلج بد اربزرگ مالکان خواست همه دهقانان مینسان اعم اربرمس و کم رمس اس.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اخبار کارگری

وضع نابسامان درمانگاه ذوب آهن زیر آب

زیر آب یکی از شیرکامای حومه قائم شهر است و در ۲۵ کیلومتری جنوب آن قرار دارد. بعلمت وجود معادن ذغال سنگ، زیر آب جزء یکی از مناطق کارکنان مازندران است.

در زیر آب دو درمانگاه وجود دارد، که یکی درمانگاه دولتی و دیگری درمانگاه ذوب آهن زیر آب است و کارگران معادن از آن استفاده می کنند.

درمانگاه، ساختمان دو طبقه نسبتاً کوچکی است. غیر از دو پرستار، فرد دیگری در این درمانگاه وجود ندارد.

پرستاران در موارد نارسائیهای درمانگاه چنین می گویند:

«تنها دثری که در این درمانگاه کار می کرد، مدتی است استعفا کرده و رفته است. الان آقای دثری کمال عابدی، که پزشک درمانگاه دولتی زیر آب هستند، یکی دو ساعت در اینجا بیماران را ویزیت می کنند. بطور متوسط روزانه ۸۰ بیمار به این درمانگاه مراجعه میکنند. آقای متیان داروخانهچی درمانگاه، که پزشک است، بعضی اوقات که پزشک نیست برای مریضهایی که بیماری آنجا فقط اسهال و استفراغ است، داروی لازم را تجویز می نماید. این درمانگاه تلفن ندارد تا ما در موارد اضطراری که احتیاج به آمبولانس داریم، از آن استفاده کنیم. آمبولانس هم که نداریم. و در موارد اضطراری بعضی اوقات آقای متیان داروخانهچی ما با ماشین شخصی خود بیماران را به قائم شهر می رسانند. از همه مهمتر ما اینجا آب نداریم. پزشک هم که نداریم، پس دیگر خودتان فکر کنید ما اینجا چه وضعی داریم، و ناراحتی ها و نارسائی های ما تا چه اندازه عمیق است.»

درمان انتظار یک دختر بچه و خانمی که بچه اش را به پشت بسته، بر روی نیمکت و به انتظار پزشک نشسته اند.

این خانم آذرخا تون پور صد نام دارد؛ بچه اش مریض است و اسهال گرفته ولیکن بعلمت اینکه امروز پنجشنبه است، درمانگاه پزشک ندارد. پنجشنبه و جمعه درمانگاه تعطیل است. این خانم می گوید:

«آقا، مادکره نداریم، دکتر روزهای غیر از پنجشنبه و جمعه، آنیم فقط بعد از ظهرها هست، دکتر کشیک و شبانه روزی نداریم، بچه من مریض است من باید چکار کنم؟»

از مسئولین امر می خواهیم به وضع این درمانگاه جدأ رسیدگی کنند و حداقل امکانات را برای این درمانگاه که اتفاقاً مورد استفاده زحمتکش ترین افراد جامعه ما است، فراهم نمایند.

قانون شکنی کارفرمایان ادامه دارد

شرکت مسافربری اتوموبیل، با ۷۰ دستگاه اتوبوس، یکی از بزرگترین شرکت های مسافربری شیراز است. تعداد آن کارگر از ۱۷ سال پیش در انبار شرکت کار می کنند. کارگران از بدو استخدام پول بیمه می پرداختند، ولی کارفرما این پول را به بیمه نمی پرداخته است.

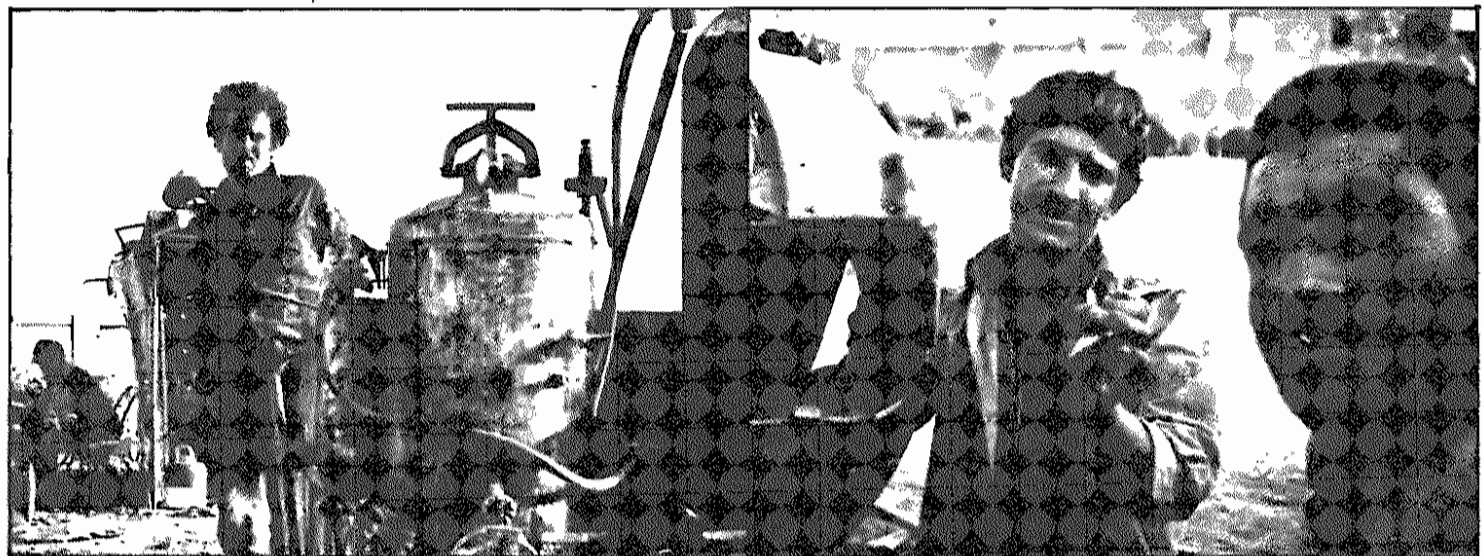
حدود ده سال پیش قتل بزرگی بر سر یک کارگر اصابت کرد و وی در دم جان سپرد و کارفرما بالاچار کارگران را بیمه کرد.

کارگران ۱۷ سال پیش با کارفرما قرارداد بستند که بابت هر ماشین عمه، بر روی هم، ۱۰ تومان دستمزد بگیرند. (هم اکنون هر روز ۳۵ دستگاه اتوبوس از این شرکت عازم شهرهای دیگری شود و در نتیجه بهر کارگر روزی ۵۷ تومان دستمزد تعلق می گیرد).

دستمزد کارگران در این مدت ۱۷ سال هیچگونه تغییری نکرده است.

کارگران به کارفرما اعتراض کرده اند و در تحقیقات معلوم شده است که کارفرما هر راننده بابت انبار ۱۵۰ ریال می گیرد و فقط ۱۰۰ ریال را به کارگران می دهد و بقیه را خود برمی دارد. کارگران برای رسیدگی به این موضوع به اداره کار شکایت کرده اند و خواهان آنند که آخرین مصوبه حقوق کارگری به آنها تعلق گیرد.

تامین کادری برای کارگران
بیکار، یکی از نخستین وظایف
دولت انقلاب است



گذری از کنار صافکاران کنار خیابانها و خرابه ها

می مانیم. نسراله علیوند، صافکار کنار خیابان (اتومان) بعثت می گوید:

«من اهل قریه "صلوات" از توابع متکین شهر هستم و ۲۰ سال سن دارم و با برادرم کاری کنم. او تازه ازدواج کرده. ما با پدر و مادر و ۷ برادر و خواهر دیگران در یک آپارتمان ۲ اتاق زندگی می کنیم. این خانه را زمان انقلاب در شهرک نجف آباد گرفتیم و باوجود دعواهای زیاد و درگیری با کمیته ها هنوز آنجا زندگی می کنیم. ولی تکلیفان معلوم نیست.»

اودر مورد وضع کاری می گوید:

«درآمد من از صافکاری خیلی کم است. تقریباً هفته ای ۵۰۰ تومان و آنهم در صورتی است که مشتری باشد و هوام خوب باشد. این پول اصلاً کفاف خانواده پرجمعیت ما را نمی دهد. حالا خوب است که گرایه منزل نمی دهیم وگرنه معلوم نبود که با این مشکل چطور می بایست مقابله کنیم. کجا به یک خانواده ۱۲ نفری خانه می دهند؟»

او از گذشته خود و خانواده اش در روستا می گوید:

«در روستا پدر و مادران و همچنین من و برادران بزرگم کشاورزی می کردیم، ولی چه فایده که درآمدمان بسیار ناچیز بود، چون زمین به آن صورت نداشتیم. به همین خاطر زمین و خانه مان را ول کردیم و به تهران آمدم. ما از دولت می خواهیم که زمین مناسبی در روستا در اختیارمان بگذارد تا ما دوباره سرخانه و زندگی مان برگردیم. ما کشاورزیم باید امکانات اینکار را در اختیارمان بگذارد.»

او از مشکلات زندگی در تهران سخن به میان می آورد:

«در این حوالی همه چیز بدسختی پیدا می شود. مثلاً گوشت نامرغوب گیلویی ۳۰ تومان است. میوه اصلاً بدخانه، ما راه ندارد، از کجا پول بیاوریم و برای دوازده نفر میوه بخریم؟ مگر اینکه یگروز هیچ نخوریم و بجایش طعم میوه خوب را بجشیم.»

او در پایان می گوید:

«آقا، من اول جوانیم است، خیلی آرزوها دارم. اول از همه می خواهم ازدواج کنم و زندگی ساده ای تشکیل دهم، ولی با کدام پستوانه و دلگرمی؟»

آنموقع چه اجباری داریم که در گرمای تابستان و سرمای زمستان، بدون حتی یک وعده غذای درست و حسابی در اینجا زندگی کنیم.»

اسداله شریعت ناصری یکی دیگر از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب در مورد زندگی خود می گوید:

«من ۴۲ سال سن و ۵ فرزند دارم، که همگی آنها درس می خوانند. ۳۰ سال است که در تهران کاری کنم. پیش از آنکه به تهران بیایم در لنگرود خرده فروش بودم. اوایل ورودم به تهران آرایشگاه داشتم، ولی کارم رونق نداشت. مجبور شدم بروم کارخانه ایران تاسیسات، ۶ سال آنجا کار کردم تا حقوقم به ماهی ۷۰۰ تومان رسید. با این پول که نمی توانستم خرج زن و بچه خود را بدهم. آنجا را ول کردم و بیرون آمدم.»

اوسپس ادامه می دهد:

«پس از آن در قسمت موتوری شهرداری با ماهی ۲۰۰۰ تومان استخدام شدم. در مقابل اضافه شدن به حقوقم، قیمتها نیز چند برابر شدند. با این حقوق می بایست ۷۰۰ تومان اجاره خانه میدادم، ولی با این وجود ۴ سال نیز در آنجا کار کردم. بعد در اثر فشار زندگی مجبور شدم آنجا راهم رها کنم.»

او در مورد وضع کنونی کارش می گوید:

«الان چند سالی است که کنار این خیابان و خیابانهای اطراف شغلم صافکاری اتوموبیل است. من مکانیک خوبی بودم برای همین شهرداری آن موقع بدمن ۳۰۰۰ تومان ماهیانه حقوق می داد، ولی خرج زندگی ساده ما بیشتر از اینها بود. بچه هایم رفتدررفته بزرگ می شدند و هزینه های زندگی نفس گیر. الان هم اینجامن از صبح تا شب در گرمای ۳۷ درجه چشم براه یک ماشین هستم، تازه اگر پیش صافکار جلویی نرود.»

او از وضع زندگی خود و گرانی روزافزون گله می کند و می گوید:

«حالا ناراحتی ما بیشتر از این است که تاکی باید با گرانی بسازیم؟ مگر ما چقدر درآمد داریم؟ آیا بچه های ما نباید در ماه حتی یک وعده میوه بخورند؟ ما باید همیشه مواظب باشیم تا خودمان و مخصوصاً بچه هایمان مریض نشوند، وگرنه علاوه بر خرج زیاد پزشک و دارو از نان آنروزمان هم

درگوسه و کنار تهران، در کنار تکرمین های خالی و خرابه ها، بهجند باجمع زحمتکشانی برخورد می کنیم که به کار صافکاری اتوموبیل مشغولند. این زحمتکسان جزء کوچکی از ارش عظیم بیکاران کشور ما هستند، که پس از انقلاب برسکوه بیمنمان، امیدوار بودند که جامعه انقلابی ایران بتواند برای آنها و خانواده شان مامنی آسوده فراهم آورد، اما سهل انگاری ها و اقدامات غیرانقلابی و سازش کارانه دولت موقت باعث شد که آنها در پی یافتن روزی برای خود و خانواده خود هر روز دست به انجام کاری بزنند.

اکنون نیز به جای اینکه از تخصص و حرفه خود برای بالا بردن سطح تولید کشور استفاده کنند، مجبوراند در گوشه و کنار خیابانها چشم انتظار اتوموبیلی باشند که برای صافکاری به سوی آنها می آید.

اکثر این صافکاران، جوانان برشور و با استعدادی هستند که از شهرستانهای دیگر به امید یافتن کار در بخشهای صنعتی روانه تهران شده اند و اکنون بی بهره از هرگونه امکانات رفاهی بر سر می برند.

به پای صحبت تنی چند از آنها، که در اطراف تهران پراکنده اند، می نشینیم تا از نزدیک با زندگی و رنجهای آنها آشنا شویم.

محمد علی خانی یکی از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب می گوید:

«من ۱۸ سال دارم و اهل روستای "کزاز" از توابع اراک هستم. قبلاً سه سال در یک کارگاه صافکاری می کردم. درآمد بسیار کم بود و کفاف ایرانی نمی داد که مقداری از آنرا در تهران خرج خودم کنم و مقداری راهم برای خانواده ام در روستا بفرستم. این بود که با پس انداز اندکی که داشتم یاد و فکر دیگر شریک شدم و وسایل لازم برای صافکاری را تهیه کردیم.»

او در مورد وضع کنونی اش می گوید:

«تمام سرمایه ما ۵ هزار تومان است. در حال حاضر تمام درآمد هر نفر از ما در ماه ۱۵۰۰ تومان است. ماهیچ چیز برای زندگی نداریم. تمام دردم از بیکاریست. اگر دولت کاری برای مادرست کند و یا اینکه در روستایمان زمینی در اختیارمان بگذارد، نهنتمنا من، بلکه دیگر دوستانم نیز حاضراند که به روستایمان برگردیم.»

درجهان سرمایه داری

بیکاری در پیشتر فته ترین کشورهای سرمایه داری در ده سال اخیر

جدول زیر نشان میدهد، که بیکاری در کشورهای سرمایه داری، امروزه نیز مانند گذشته، در مرحله بحران ادواری گسترش می یابد، اما بخلاف گذشته در مراحل آغاز رونق و رونق تنها اندکی کاهش می یابد و در برخی اوقات حتی همچنان بیشتر میشود:

بیکاری در کشورهای سرمایه داری (به هزار)

۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۷۸۴۶	۱۸۵۰۰	۱۵۳۸۵	۱۵۸۲۳	۱۵۸۶۸	۱۶۸۰۰
ایالات متحده آمریکا	۴۰۸۸	۷۸۳۰	۷۲۸۸	۶۸۵۶	۶۰۴۷	۵۹۶۳
جامعه اروپا	۲۱۸۹	۴۷۰۵	۵۳۱۹	۵۷۴۳	۶۰۱۲	۶۲۴۰
بریتانیا	۶۱۸	۶۱۰	۱۳۵۹	۱۴۸۴	۱۴۷۵	۱۳۹۰
ایتالیا	۹۶۱	۱۲۰۲	۱۲۷۹	۱۳۹۸	۱۵۷۱	۱۷۴۰
فرانسه	۲۶۲	۸۴۰	۹۳۳	۱۰۷۳	۱۱۶۷	۱۳۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۱۴۹	۱۰۷۴	۱۰۶۰	۱۰۳۰	۹۳۳	۸۷۰

درجهان سوسیالیسم

کاهش مرگ و میر کودکان در کوبا

در کوبای سوسیالیستی از هر هزار کودکی، که چشم به جهان می گشاید، تنها ۱۹/۳ نفر بیش از یکسالگی فوت می کنند. رقم مشابه برای کودکان ۱-۴ ساله تنها ۱ است.

برای مقایسه، آهنگ مرگ نوزادان و کودکان ۱-۴ ساله برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین را در زیر از نظر خوانندگان می گذرانیم:

کشور	آهنگ مرگ نوزادان (در هزار)	آهنگ مرگ کودکان ۱-۴ ساله (در هزار)
پاراگوئه	۹۴/۳	۵/۶
کواتالا	۸۰/۷	۲۴/۲
پرو	۷۲/۴	۷/۵
شیلی	۶۳/۳	-
کلمبیا	۵۲/۵	۴/۹
ونزوئلا	۴۳/۷	-
اکوادور	-	۱۳/۹
سالوادور	-	۹/۵
هندوراس	-	۹/۲
جمهوری دومینیک	-	۴/۸
ونزوئلا	-	۳/۸

(- آمار دردسترس نیست.)

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

انتخاب خواهند بود
بویژه تا کید خاص بر آن است که گروه
اخیر مستقیماً از سوی مردم انتخاب شوند
و خود مردم عزیزانه اعزام این نماینده‌ها
را، با بولی که در سهرستا آنها و مملکت‌های کار
جمع آوری خواهد شد، برعهده بگیرند.
در جریان تشکیل پارلمان جهانی،
کمیسیونها، میزگردها، گروههای کار،
جلسات سخنرانی و گرد همایی‌ها و نما-
یندگان قاره‌ها فعالیت خواهند داشت.
اهم موضوعاتی که پیشین‌داده می‌شود برای
جلسات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد،
حتمین است:

کمیسیونها:

سایان دادن به مسابقه تسلیماتی،
تأمین خلع سلاح - استقلال اقتصادی،
استفرا رنظام جدیداً قلمدادی بین‌المللی،
مسایل انرژی و پیوند آن با مبارزه در
راه صلح و استقلال ملی، امنیت و همکاری
در اروپا، همبستگی با مردم فلسطین و دیگر
خلقهای عرب، سیم‌چینس کشورهایی نام-
وابسته در امر صلح و استقلال ملی، مبارزه
با سیاست امپریالیستی مداخله‌گری و
ایجاد عدم بیات، مبارزه با نژادپرستی
و سیاست تبعیض نژادی.

میزگردها:

مرکب از نمایندگان اتحادهای
کارگری سازمان‌زنان، جوانان و
دانشجویان، نمایندگان مجالس ملی،
مخالف مذهبی، کارکنان رسته‌های تنظیم
و تربیت، آموزش علوم و فرهنگ و غیره
در این میزگردها، موضوعاتی مانند
مبارزه برای تبدیل منابع تسلیماتی
به منابع فراورده‌های زمان صلح، نتایج
به دست آمده در نیمه اول دهه، زن و در
سال بین‌المللی کودک، دفاع از فرهنگهای
ملی و تربیت در راه خلع سلاح مورد بحث
قرار می‌گیرد

گروه‌های کار:

موضوعاتی که پیشین‌داده می‌شود، عبارت
است از:
همکاری با دیگر سازمان‌های غیر
دولتی، فعالیت به منظور بستن تانی از
کوششهایی که در سازمان‌های وابسته به مملکت
متعدداً در سازمان‌های بین‌دولتی در راه
صلح و استقلال ملی صورت می‌گیرد، کسرتس
انتشارات و تبلیغات صلح، افزایش
منابع مالی، همکاری میان نیروهای
مختلف سیاسی، کسرتس شبکه سازمان‌های
با یادی صلح
سخنرانی‌ها:

درباره موضوعات مختلف، از جمله
نجا و به حقوق بشر، نژادپرستی و تبعیض
نژادی در سبیلی و اوروگوئه، آفریقای
جنوبی، سرزمینهای اشغالی عرب، آمریکای
شمالی، وضع کارگران مهاجر در اروپا،
و جوه مختلف نژادپرستی در مناطق مختلف

گردهمایی بر حسب قاره‌ها:

چهار جلسه قاره‌ای تشکیل خواهد شد:
آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، آمریکای
لاتین و حوزه دریای کارائیب، اروپا و
آمریکای شمالی

شورای جهانی صلح، به منظور تشکیل
پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح، یک
کمیته تدارکاتی بین‌المللی ترتیب
می‌دهد، که نمایندگان سازمان‌ها و
جنبشهای عمده بین‌المللی و همچنین
شخصیتهای برجسته و رهبران احزاب
مختلف سیاسی را برای شرکت در آن دعوت
می‌کند.

از آن گذشته، در هر کشوری یک کمیته
ملی تدارکاتی، مرکب از نمایندگان
احزاب و سازمانها و همچنین شخصیتهای
برجسته تشکیل می‌شود.

کمیته‌های ملی و بین‌المللی تدارکاتی
هر یک در حیطه عمل خود، می‌باید پیوسته از
بحث درباره موضوعات صلح و به تنظیم
طرح قطعنامه‌ها و دیگر اسناد
برای ارائه به پارلمان جهانی اقدام
کنند. بویژه کمیته‌های تدارکاتی ملی،
به همین منظور پارلمان ملی خود را تشکیل
خواهند داد.

دربارلمان‌های ملی و محلی، در نگاره‌ها
کنفرانس‌ها و میتینگ‌ها، نمایندگان
که با یهدر پارلمان جهانی صلح برای
صلح شرکت کنند، انتخاب خواهند شد و
مجموعه این فعالیتها می‌باید به این
نتیجه طبیعی منجر شود که، وسیع‌ترین
پیوستگی و همکاری نیروهای سیاسی و
اجتماعی با سارهای زیر صورت پذیرد:
هیستری جنگ سرد را متوقف سازیم!

به تراکم جنگ افزایش یابان دهیم!

به پیروزی‌های تازه صلح و استقلال ملی

بکوشیم!

تشنج‌زدایی را تحکیم بخشیم!

به اسکا شورای جهانی صلح از ۲۳ تا
۲۷ ستمبر سال - یکم تا پنجم می-
۱۳۵۹ - اجتماع نمایندگان همه ملت‌ها
جهان در موعیه (بلغارستان) زیر عنوان
"پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح" تشکیل
خواهد شد، و این مهمترین گردهمایی‌هایی
خواهد بود که شورای جهانی صلح در سی
ساله موجودیت خود ترتیب داده است.
نمایندگان احزاب سیاسی، اتحادیه-
های کارگری و دیگر سازمانهای توده‌ای،
جنبش‌های صلح، جریانهای مذهبی،
سازمانهای اجتماعی و فرهنگی، همه خواه-
خواهان صلح و تسخیر زداایی، همه کسانی
که با نداشت خطرناک سلاحها و تلاش برای
بازگشت فضای جنگ سرد ستیزه جویسی
مخالفاند، از سوی شورای جهانی صلح
به شرکت در این گردهمایی دعوت شده‌اند.
اکنون تراکم جنگ افزایش یافته‌است. نیرو-
های کاذب تولید جنگ از راه سود می‌برند،
به عدد بیشتری جنگی را دامن می‌زنند.
خطر جنگ سرد دیگر، و اگر پیشگیری
نشود - خطر جنگ تمام عیار بر فراز سر
شهرت معلق است.

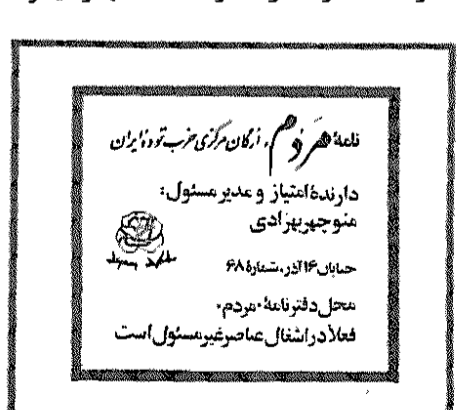
دهه هفتاد قرن حاضر را هدیه‌پروزی‌های
بزرگ صلح و استقلال ملی بوده‌است و به
حق دهه تشنج‌زدایی‌میده شده‌است.
اما نیروهای امپریالیسم و ارتجاع هرگز
واقعیت کستهای را که در دهه هفتاد
متحمل شدند، نپذیرفته‌اند. آنان در
سی آندکده دهه هشتاد در مسیر و رگونی
سراسروندی که در دهه هفتاد آغاز شد،
سیندازند. آنان می‌خواهند تشنج‌زدایی
را از میان بردارند و سیاست و رفتار بر لبه
سرنگ را به خطرناک‌ترین وجهی تعمیل
کنند.

برای همه کسانی که - مرفظسراز
اخلاسان در باره مسایل دیگر - ظیبر
بودن اوضاع کنونی بین‌المللی را درک
می‌کنند، امری حیاتی است که نیرو و
تلاش خود را متحد سازند تا پیروزی‌های
صلح در دهه گذشته در طول سالهای دهه
شتاد و نه مدارج عالیتری برسد، معبود
ما ریجی تراکم جنگ افزایش متوقف
گردد و تحکیم، روند تشنج‌زدایی تا مین
سود.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح،
نمایندگان اکثریت وسیع مردم جهان را
در یک محل گرد خواهد آورد. ملت‌های جهان
نوانایی آن را دارند که جنگ افروزان و
سودجویان تولیدات جنگی را نکست دهند.
در این سی و پنجمین سال در هم کسته
شدن فاسم هیستری، مردم ملحد و ست
همه کشورها در جشن‌ها و مراسم یادبودی که
به این مناسبت برپا شد، به دعا خواستند
که هرگز جنگ دیگری روی نماند. آنها
همچنین بمناسبت پنجمین سالگرد
کنفرانس هلسنکی برای امنیت و همکاری
در اروپا، عهدخواهند به دست که روح‌هلسنکی
را زنده نگاه دارند و در پیسرد آن بگوشند.

دربارلمان جهانی صلح،
نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی،
نمایندگان و ناظرانی که هر یک به نام
اروسی کمیته بین‌المللی تدارکاتی
دعوت خواهند شد، و همچنین هیئت‌های
نمایندگی ملی شرکت خواهند داشت.
هیئت‌های نمایندگی ملی مرکب
خواهند بود از:
- نمایندگان دستک‌های رهبری
احزاب و سازمان‌های توده‌ای،
- شخصیتهای نامیردادر سطح ملی
و بین‌المللی، که هر یک به نام دعوت
خواهند شد،
- نمایندگان که در اجتماعات و
کنفرانس‌های استان و شهرستان و در
کارخانها و ادارات و دانشگاهها و غیره

این واقعیت را باید دانست که هر جای
عمومی قدرت‌های امپریالیستی در میان
اینها علی‌رغم تضادهای خود، در برابر خطر
مترک در کنار هم قرار می‌گیرند. در برابر
امپریالیسم نیز بین جنبش‌های آزادی‌بخش ملی،
جنبش کارگری و دمکراتیک در کشورهای بیسرفته
سرمایه‌داری و جامعه‌گورهای سوسیالیستی و هر
دولتی که حاضر باشد در کنار مبارزین
امپریالیست قرار بگیرد، یکی از شرایط عمده پیروزی
بر دشمن است. و به همین جهت تلاش عمده تمام
سازمان‌های جاسوسی دشمن و عمل آنها منوجه
آست که این مرز را در اذهان عمومی از میان بر-



حرف آخر است: با دشمنان انقلاب ایران
دشمن عنوان و بلاک خارجی آنها هر قدر مردم
فریب باشد. با دشمنان انقلاب ایران دوست-
ایدئولوژی و معضلات سیاسی آنها هر چه باشد.

در جلسه تالی دیر وز مجلس: ناه رئیس جنیور در معرفی
آقای رجائی جهت نخست‌وزیری مورد قبول قرار گرفت
نماینده اراده:

دولت فرانسه به طرفداران رژیم شاه، جلادان و کشتار کنندگان خلق پناه داده است

این افراد به تشکیل گروههای تروریستی و انجام عملیات سیاسی-
نظامی گسترده علیه انقلاب ایران می‌پردازند.

کشور خارج می‌کنند. در
سی از نطق‌های قبل از دستور، جهت -
الاسلام رفسنجانی، من ناممه رئیس-
جمهوری در مورد معرفی آقای محمدعلی
رجایی به سمت نخست‌وزیر اذیت کرد.
در مورد این نامه بعداً فرآیندی بین
نمایندگان در گرفت کروهسی از
نمایندگان می‌نکستند که متن نامه متا-
قانون اساسی است و گروهی نیز خلاف آن،
در میان اظها رنظر نمایندگان، جهت -
الاسلام موسوی خوئینی‌ها گفت:
"بی‌شک ما ماکدا ز مجلسیان و رئیس
جمهور می‌خواستند شد بیکرا تضعیف نکنند،
چه شد؟ می‌خواهم با توجه به محتوی این
بیان و توجه به دردناکی اصلی مردم ما در
مورد خطای جزئی که عملاً واقع شده
است، اغما می‌کنید."

دربیان صحبت‌های نمایندگان در مورد
نامه و تطابق و یا عدم تطابق آن با قانون
اساسی، و بعداً زتنفس ۲۵ دقیقه‌ای مجلس
جهت الاسلام رفسنجانی در جمع بندی مذاکرات
انجام شده، از جمله گفت:
"نامه‌ای با امضاء ۱۵ نفر رسیده است
که تقاضا کرده‌اند، نامه رئیس جمهور را
بپذیریم و روی موضوعات فرعی و غیر مهم
وقت تلف نکنیم."

آنگاه بیرون پذیرسی نامه از طرف
مجلس رای گیری بعمل آمد در نتیجه
معرفی نامدرئیس جمهور در روزهای
مورد پذیرسی نمایندگان قرار گرفت.
سازان مخرکمیسوین اعلام کرد که
اعتبار نامه آقای موجدی ساجسی،
نماینده ساره، با توافق آراء در این
سعیه به تصویب رسیده است. سبنا این
اعتبار نامه از تصویب نمایندگان گذشت
قسمت دیگر بر نامه مجلس، قرعه‌کشی
نمایندگان برای نطق‌های قبل از دستور
بود، که بوسیله منس‌های مجلس انجام
گرفت.

دربیان جلسه امروز مجلس، جهت -
الاسلام رفسنجانی اعلام کرد که کمیسیون‌های
امور خارجه و امور داخله سبده هر چه زودتر
هیئت‌هایی را که می‌بایست برای رسیدگی
به وضع سفارتخانه‌های ایران در خارج از
کشور و نیز بررسی وضع مناطق مختلف کشور
اعزام شوند، انتخاب و به مجلس معرفی
کنند.

جلسه دیروز مجلس ساعت ۱ بعد از ظهر
بایان یافت و قرار شد که در جلسه بعدی
(امروز ساعت ۱۰) در مورد نخست‌وزیری
آقای محمدعلی رجایی رای گیری شود.
ضمناً نمایندگان مجلس، ساعت ۳
بعد از ظهر دیروز، در طی یک جلسه عمومی،
راجع به مسئله نخست‌وزیری آقای محمد
علی رجایی به بحث و تبادل نظر بیشتر
پرداختند.

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی
در ساعت ۹/۳۰ به ریاست محبت الاسلام
رفسنجانی تشکیل شد.
اولین نطق قبل از دستور جلسه دیروز
ابوالحسن حسینی، نماینده مینوست،
در باره وضع حوزه انتخابیه خود از جمله
گفت:
"کشت و کسا ورزی در منطقه کرگان و
کنبدیه علت عدم توجه مسئولین در حال
نا بودی است. مجلس سبده هر چه زودتر
وضع مالکیت را روشن کند بسیاری از
زمینهای کسا ورزی و از جمله باغ ۹۸۰ هکتاری
اسرف پیلوی بعلت عدم رسیدگی به وضع
آنها بدون استفاده مانده‌اند.
دومین نطق قبل از دستور، غلامحسین
مقانی، نماینده بندرعباس، نیز در باره
حوزه انتخابیه خود و مشکلات مردم آن
نواحی سخن گفت.

آنگاه کمالی‌نیا، نماینده قوجان،
ضمن برتساری کسودای از مشکلات مردم
قوجان و عومه، از جمله مشکل آبیساری
زمینهای کسا ورزی گفت:
"با سد سازی می‌توان و با یازاد زتلف
شدن ۸۰ آبهای سلکت طوکیری کرد و از
آنها در جهت آبیساری زمینهای کسا ورزی
استفاده نمود"

وی در پایان سخنان خود خواهان
برقراری معیارهای دقیق برای تمفید در
ادارات و وزارتخانه‌ها شد و گفت:
"علاوه بر آن نمایندگان را که تمفید
می‌شود به مال خود گذاشت، تا هر کاری که
می‌خواهند بکنند، با یازاد آنها را تحت کنترل
قرار داد و نگذاشت، که علیه انقلاب
کار کنند"

آخرین نطق قبل از دستور جلسه دیروز
احمد عطاری، نماینده آراک بود. وی
ضمن برتساری علی که دولت فرانسه به
اما خمینی، در نبل از انقلاب اجساره
اقدامات در آن کشور را دوزین تضیقاً
که علیه ما فرام آورد، گفت:
"دولت فرانسه وسایر دول غربی که
ادعای پناه دادن به آزادیخواهان را
داشته‌اند، اکنون به افسران فراری پناه
داده‌اند. به افرادی که طرفدار رژیم
کودتا هستند، به جلادان و کشتار کنندگان
مردم... آنها می‌که اکنون از عوامل
اصلی توطئه علیه انقلاب ما هستند و
کانونهای توطئه ایجاد کرده‌اند، کسانی
که کارشان در تمام ایسادیسی-نظامی
خود جریان دارد. این افراد اکنون گروه
های تروریستی ایجاد کرده‌اند. وحتی
طرفداران انقلاب اسلامی ایران در خارج
از کشور نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند."

وی در پایان سخنان خود خواهان کنترل
دولت بر بارزگانی خارجی ایران و نیز
کارمراقبها، که مقادیر زیادی ارز را از

اسرائیل - پایگاه...

منطقه صرفاً اسم و عنوان و ادعا نیست. ملاکی که
مررها را از هم جدا می‌کند، خط فاصل بین آنها را
تعیین می‌کند، نحوه برخورد آنها، نحوه عمل
آنهاست نسبت به انقلاب ایران و سایر نهضت‌های
ضد امپریالیستی در این منطقه.
ملاک ما برای ساخت دوست و دشمن، نه
عنوان ظاهری و دروغین آنهاست، نه برده ربایی
است که برخی دولت‌های حاکم بر ممل اسلامی بر
چهره خود می‌کنند، بلکه ملاک ما برای شناخت
آنها برخوردی است که با انقلاب ما داشته‌اند.
سازمان آزادی‌بخش فلسطین، و جنبه بایداری و
دولت‌های تشکیل دهنده جبهه نابداری (سوریه
الجزایر، لیبی، یمن دمکراتیک) در کنار انقلاب
ایران قرار دارند.

دولت‌های سوسیالیستی در تمام طول بدی که
نبرد بین حق و باطل در خاور عربی و خاورمیانه
ادامه داشته است، و به منابه صادق‌ترین، بی‌گیری-
ترین و تزلزل‌ناپذیرترین دوستان خلق‌های عرب و
مردم انقلابی ایران عمل کرده‌اند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند.
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



دهها میلیون نفر از اقلیت های نژادی در آمریکا ، در فقر مطلق زندگی می کنند

حدود دویست سال زمان ، که بسیاری پیشبردهای و تامین حقوق اقلیت های نژادی در آمریکا تلاش می کنند ، کنفرانس در نیویورک برگزار کردند . در بیانیه کنفرانس ، ضمن اشاره به وضع اسفناز اقلیت ها در آمریکا ، گفته شده است که ، سیاستمداران آمریکایی به محض آنکه صندوقهای آراء تعطیل شد ، تمام وعده های خود را در مورد رفع املاح بهبود وضع زندگی اقلیتها فراموش می کنند . در کنفرانس گفته شد که دهها میلیون نفر از اقلیت های نژادی در آمریکا ، در فقر مطلق بسر می برند و این در حالیست که هیئت حاکمه به تشنج دائمی میزند و بنفع آنها رات ، مخارج نظامی را افزایش می دهد .

مبارزه خلق السالوادور

علیه امپریالیسم آمریکا اوج میگردد

همزمان با گسترش مبارزه خلق السالوادور علیه داوردهسته دست نشانده این کشور ، امپریالیسم آمریکا آماده می شود تا مستقیماً در السالوادور وارد عملیات شود . چند روزنامه آمریکایی ، از جمله روزنامه "سان فرانسیسکو" گزارشی را در باره دادند که هزاران تنگنادر دریای آمریکا در کالیفورنیای شمالی ، آلاباما و اوهایو ، برای مداخله در السالوادور و سرکوب قیام خلق مبارز این کشور ، آموزش می بینند . در کشورهای همزبیا السالوادور نیز مزدوران بوسلیه عمال آمریکا تربیت می شوند . از جمله هم اکنون ما موران سبا بقایای گارد ملی سوموزا را در هندوراس آموزش می دهند تا از این مزدوران برای سرکوب مبارزه خلق السالوادور استفاده شود . همچنین نیروهای آمریکا بی مستقر در منطقه نال پانا ما بعلال آمده باش در آمده اند .

از سوی دیگر سفارت آمریکا در سان سالوادور ، هم اکنون عملیات علیه خلق السالوادور را رهبری می کند . تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای مداخله مستقیم در السالوادور ، در حالی شدت می گیرد که جبهه دمکراتیک انقلابی - سازمان دربرگیرنده نیروهای چپ و سائیر نیروهای دمکراتیک - با پشتیبانی بیدریغ خلق ستمدیده ، ضربات کوبنده ای به ارتش مزدور و اردکرده است . در یک هفته اخیر ، نیروهای مسلح "جبهه" سرپازان ارتش را در چند جبهه درهم شکستند . جبهه دمکراتیک انقلابی ، از سوی دیگر بر نامه یک اعتصاب سه روزه را اعلام کرده است .

حمایت رهبران موزامبیک وزیمبابوه از مبارزات خلقهای آفریقا علیه امپریالیسم

در پایان دیدارها مورامائل ، رهبر موزامبیک از زیمبابوه ، اعلامیه مشترکی انتشار یافت . در این اعلامیه دو کشور همبستگی کامل خود را با مبارزه آزادیبخش خلقهای آفریقای اعلام کردند و بویژه از پیروزیهای خلق نامیبیا در شبرد علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی ابراز خرسندی نمودند . موزامبیک وزیمبابوه همچنین تجاوزات نژادپرستان را علیه آنگولا و زامبیا محکوم و تائید کردند که آفریقا زمانی آزادخواهد شد که قاطعانه هرگونه تسلط سیاسی و اقتصادی امپریالیست ها را طرد کند .

انتشار جلد اول آثار ابوعلی سینا بزبان تاجیکی در تاجیکستان شوروی

جلد اول آثار ابوعلی سینا ، بزبان تاجیکی در جمهوری تاجیکستان شوروی منتشر شد . بنا به تصمیم یونسکو ، امسال هزاره ابوعلی سینا برگزار می شود . در جمهوری ازبکستان شوروی نیز فیلمی از زندگی ابوعلی سینا تهیه شده است .

آغاز پنجمین ماه اقامت قضا نسوردان شوروی در سالوت

قضا نوردان سفینه فضای سالوت ۶ شوروی ، پنجمین ماه اقامت در این سفینه را آغاز کردند . پاپوف و رومین ، فضانوردان سالوت ۶ ، در چهار ماه گذشته ، آزمایش های فضایی بسیار رگرا تنبهای

آقای قطب زاده! سیاست غلط و زیانبخش را بادشنام به حزب توده ایران نمی توان توجیه کرد

امام خمینی ، رئیس جمهور و تمام شخصتهای برجسته انقلابی مذهبی و سیاسی ، دولت موقت را یک دولت ناموفق می دانند . البته هیچ کس منکر نیست که در دوران پس از انقلاب کم و بیش کارهای مثبتی انجام گرفته است . اما همه معتقدند که کارهایی که انجام گرفته در مقایسه با آنچه می توانسته است انجام بگیرد ، بسیار ناچیز است . دولت موقت ، یعنی حکومتی که پس از انقلاب تشکیل شد و تا تشکیل دولت جدید مسئول امور است ، در هیچ رشته و زمینه ای نتوانسته است یا به پای انقلاب شکوهمند ایران به جلو گام بردارد و هر گام کوچکی را نیز مستقیماً زیر فشار مردم وامام خمینی ، زبان گویای توده ها ، برداشته است . دولت موقت ، که لنگ لنگان قدم بر می داشت ، از توده ها ، که با همان شتاب انقلاب به پیش تاختند ، فرسنگها عقب مانده است . اینست عملکرد دولت موقت به طور کلی و ارزیابی امام خمینی از آن . اما اگر ما بخواهیم عملکرد هر یک از وزارتخانه ها را به طور جداگانه بررسی و ارزیابی کنیم ، بایستد بگوییم که عملکرد برخی از وزارتخانه ها ، از جمله وزارت امور خارجه ، نه تنها ناموفق ، بلکه در بسیاری از موارد از خط انقلاب ما خارج بوده است . علت این امر نه تنها عدم ساستگی مسئولان ، بلکه همچنین ساختن استیلائی ترکیب این وزارتخانه است ، که دلیل وابستگی لایننگ آن به رژیم گذشته بدون دردم شکستن بنیادی آن ، گمراهی به خدمت انقلاب ممکن نبود ، چیزی که متأسفانه در دوران پس از انقلاب انجام نگرفت و این وزارتخانه هنوز هم بالاترین درصد سرپرندگان رژیم سابق را در آغوش گرم خود حفظ کرده است . وزارت امور خارجه در هر کشوری از مهمترین پایگاههای رژیم به شمار می رود و رژیم شاه نیز این وزارتخانه را به دل خواه خود دست چین کرده و مطمئن ترین هواداران خود را در آن جای داده بود . درباره عملکرد وزارت امور خارجه مردم ایران دل بپی دارند . ما یک شخصیت انقلابی مذهبی و سیاسی ، یک گروه یا سازمان سیاسی انقلابی ، یک روزنامه یا مجله انقلابی و حتی یک فرد عادی انقلابی را نمی شناسیم که در تائید فعالیت آقای قطب زاده ، به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ،

انجام داده اند . در این مدت دو اکیب فضایی شامل فضا نوردان شوروی ، ویتنام و مجارستان در سفینه سالوت ۶ ، همگامی مدت دو هفته با پاپوف و رومین به انجام آزمایش های مشترک دست زدند .

انجام دادند . اما تا وقتی که در راس وزارت امور خارجه جای دارند و تصمیماتشان می تواند با سرنوشت مردم ایران ، با سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، تماس پیدا کند ، با هیچ بی نزاکتی فحاشی نمی توانند گریبان خود را از جنگ ما برهانند . (بد نیست خوانندگان ما بدانند که آقای قطب زاده در نقش خودشان در مجلس ، همان جا که حزب ما را "خائن" می نامند ، ادعا می کنند که "روش ایشان بر ادب و متانت استوار است")

از جزئیات بی اهمیت سخنان آقای قطب زاده در حضور نمایندگان مجلس می گذریم و تنها درباره یک مسئله کلی بحث می کنیم و آن استنتاجی است که ایشان به قول خودشان از روش بیامیر و علی کرده اند و اصل "عدم مصالحه در اصول" را طبق سنت بیامیر و علی در سیاست خارجی ایران به کار بسته اند . ببینیم آقای قطب زاده به این اصل چگونه عمل کرده اند .

بزرگترین اصل انقلاب ایران به گفته امام خمینی ، عدم سازش با امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ قرن بوده و هست . اما فعالیت آقای قطب زاده و وزارتخانه تابع ایشان ، در عکس این جهت سیر کرده است . در حقیقت تمام تلاش آقای قطب زاده در جهت ایجاد زمینه و هموار کردن راه برای مصالحه با آمریکا بوده و در این راه حتی از شیوه ها و وسایلی که کمترین وجه تنابهی با اخلاق اسلامی ندارد و نمی تواند داشته باشد ، دریغ نمنده است : جعل خبر توقیف شاه سابق در پاناما ، جعل بیام دروغ کارتر به امام ، خودداری از انتشار اسناد و مدارک کنفرانس بررسی جنایات آمریکا در ایران ، آوردن رمزی کلارک معلوم الحال ، به نام "انقلابی" به این کنفرانس ، دعوت سران انترناسیونال سوسیالیستی - همسلکان شاپسور

بختیار - به ایران ، حمایت از گروه های آمریکایی "مسلمانان" افغانستان ، نزدیک شدن به پاکستان و ترکیه ، دو کشوری که دست نشانده امپریالیسم آمریکا هستند ، تلاش برای احیای سنتو از طریق دیپلوماسی مخفی ، لاس زدن با چین متحد وفادار آمریکا ، تخطئه سوریه ، لیبی ، سازمان آزادی بخش فلسطین ، یم دموکراتیک در کنفرانس اسلامی پاکستان و همداستانی با عربستان سعودی ، پاکستان مراکش و سایر دولت های مترج و دهها اقدام کوچک و بزرگ دیگر ، که همه و همه بر خلاف اصل "عدم مصالحه در اصول" بوده است .

تلاش قطب زاده برای آزادی گروگان های خط امام نیز جز این هدفی نداشته است . قطب زاده در گفته هایش در برابر نمایندگان مجلس می خواهد این عدم اصولیت را با عوام فریبی پرده پوشی کند . از وی می پرسند که چرا ایران باید در کنفرانس اسلام آباد شرکت کرده باشد و نمایندگی ایران در ردیف مترج ترین نمایندگان کشورهای اسلامی علیه کشورهای مترقی موضع بگیرد؟ قطب زاده مسئله محل و مکان کنفرانسها را پیش می کشد . روشن است که مسئله محل و مکان اهمیت درجه دوم دارد . می توان در کنفرانسی که در واشنگتن ، قلب دنیای ستم ، برپا می شود ، شرکت کرد و به نفع ستمدیدگان عمل کرد . اما قطب زاده در کنفرانس اسلام آباد ، ایران انقلابی را در صف عربستان سعودی و پاکستان و غیره جای داد ، چیزی که خواست امپریالیسم آمریکا ، دشمن شماره یک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود .

از گفته آقای قطب زاده در مجلس چنین بسر می آید که ایشان در عملشان استقلال وسیعی داشته اند ، و اگر طرز فکر و شیوه عملشان در جهت مصالح انقلاب بود ، می توانستند ، مصدر خدمات برجستدای بشوند . متأسفانه آقای قطب زاده به این اصل اساسی انقلاب ایران ، که دشمن اصلی خود را امپریالیسم آمریکا می داند ، اعتقاد ندارند و سیاستی را در پیش گرفته اند که بیشتر در جهت

مخالفت روزافزون با رژیم دست نشانده ضیاء الحق در پاکستان

رژیم رسوای ضیاء الحق که پاکستان را به پایگاه تجاوزات آمریکا تبدیل کرده است ، با مخالفت روزافزون روبه رو میشود . نصرت بوتو ، رهبر حزب مردم پاکستان ، سیاست دولت آمریکا را در مورد مداخله آشکارا در پاکستان محکوم کرد . نصرت بوتو گفت : رژیم ضیاء الحق از "یودجه" هادایی از خارج ، برای تربیت و آموزش خراب کاران افغانی استفاده می کند . از سوی دیگر حزب "تحریک استقلال پاکستان" از مردم خواست که به سرای سرنکون کردن رژیم ضیاء الحق مبارزه را گسترش دهند . یکی از رهبران برجسته حزب اعلام کرد که رژیم ضیاء الحق هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد .

از گفته آقای قطب زاده در مجلس چنین بسر می آید که ایشان در عملشان استقلال وسیعی داشته اند ، و اگر طرز فکر و شیوه عملشان در جهت مصالح انقلاب بود ، می توانستند ، مصدر خدمات برجستدای بشوند . متأسفانه آقای قطب زاده به این اصل اساسی انقلاب ایران ، که دشمن اصلی خود را امپریالیسم آمریکا می داند ، اعتقاد ندارند و سیاستی را در پیش گرفته اند که بیشتر در جهت

انجام دادند . اما تا وقتی که در راس وزارت امور خارجه جای دارند و تصمیماتشان می تواند با سرنوشت مردم ایران ، با سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، تماس پیدا کند ، با هیچ بی نزاکتی فحاشی نمی توانند گریبان خود را از جنگ ما برهانند . (بد نیست خوانندگان ما بدانند که آقای قطب زاده در نقش خودشان در مجلس ، همان جا که حزب ما را "خائن" می نامند ، ادعا می کنند که "روش ایشان بر ادب و متانت استوار است")

از جزئیات بی اهمیت سخنان آقای قطب زاده در حضور نمایندگان مجلس می گذریم و تنها درباره یک مسئله کلی بحث می کنیم و آن استنتاجی است که ایشان به قول خودشان از روش بیامیر و علی کرده اند و اصل "عدم مصالحه در اصول" را طبق سنت بیامیر و علی در سیاست خارجی ایران به کار بسته اند . ببینیم آقای قطب زاده به این اصل چگونه عمل کرده اند .

بزرگترین اصل انقلاب ایران به گفته امام خمینی ، عدم سازش با امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ قرن بوده و هست . اما فعالیت آقای قطب زاده و وزارتخانه تابع ایشان ، در عکس این جهت سیر کرده است . در حقیقت تمام تلاش آقای قطب زاده در جهت ایجاد زمینه و هموار کردن راه برای مصالحه با آمریکا بوده و در این راه حتی از شیوه ها و وسایلی که کمترین وجه تنابهی با اخلاق اسلامی ندارد و نمی تواند داشته باشد ، دریغ نمنده است : جعل خبر توقیف شاه سابق در پاناما ، جعل بیام دروغ کارتر به امام ، خودداری از انتشار اسناد و مدارک کنفرانس بررسی جنایات آمریکا در ایران ، آوردن رمزی کلارک معلوم الحال ، به نام "انقلابی" به این کنفرانس ، دعوت سران انترناسیونال سوسیالیستی - همسلکان شاپسور

بقیه از صفحه ۱ اوباشان قاسملو

ربانی ، شدت مجروح شدند ، که خوشبختانه خالشان روبه بهبود است . بعد از ظهرها روز ، ۸ نفر از رفقای ما بخاطر فروش نامه مردم ، توسط همسان افرا دستگیر و به با صلاح شورای نظا می گروه قاسملو برده شدند . در آنجا ، آنها را مورد تهدید قرار دادند و از آنها خواستند که از فروش نامه مردم خودداری کنند . از جمله کسانی که رفقای ما را مورد توهین و دشنام قرار دادند ، کریم حسامی مسئول حزب دمکرات قاسملو در مهاباد بود .

وحشت گروه قاسملو ، از حزب توده ایران و افشاگریهای مهلک (مهلک برای آنها) "نامه مردم" طبیعی است . هر یک از این افشاگریها چون تیغی برنده ، نقیاب عوام فریبانه ای را که در "دفاع از حقوق خلق کرد" بر چهره کشیده اند ، می برد و ما هیت زشت و خائنه آنان را بر خلق کرد می نما یاند ، خلق را هشیاروسا لوسان را رسوا و منفرد می کند و تمهیدات آنان را برای کشتن خلق کرد به ورطه نابودی بی اشر می سازد .

حزب توده ایران بی گمترین دوست خلق گردیده ، هست و خواهد بود و شما می تلاشها و خشم و کین دیوانه وار دشمنان خلق کرد ، هیچگاه به با زدا شدن حزب ما در پی نمودن راهی کسسه می رود ، قا در نخواهد بود . گروه قاسملو کاسمیت نگاه می به تاریخ ۴۰ سال گذشته حیات حزب توده ایران بیا نداد .

مصلحه بوده است ، تا مبارزه .

قطب زاده ، در مجلس می گوید :

"آنچه در زمینه سیاست خارجی انجام شد ، در یک چهارچوب معین و مشخص نبود و ناظر بر این بود که شخص وزیر امور خارجه ، آن طوری که مصلحت می بیند ، با توجه به مقتضیات عمل کند . هر کس که واقفا در خط امام باشد ، اینقدر استقلال عمل داشته باشد ، بی تردید مبارزه با آمریکا را بر مصالحه با آن ترجیح می دهد . آقای قطب زاده برعکس رفتار کرد ، زیرا بر حسب اعتقادات سیاسی خود آمریکا را دشمن شماره یک ایران نمی داند ، ولی پاکستان و ترکیه و چین را دوستان نزدیک ایران به شمار می آورد . این موضع عقیدتی آقای قطب زاده که با موضع آن عده از کارکنان وزارت امور خارجه که زمینه را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی آماده می کنند و اغلب آنها طرفدار "مصلحه" با آمریکا هستند نه مبارزه ، چنان هم آهنگ و موافق است که اقدام وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب در یک جمله خلاصه می شود : تلاش برای مصالحه با آمریکا

عملکرد وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب لزوم پاکسازی این وزارتخانه از "سیاست سازان" طاغوتی را با حدت هر چه بیشتر مطرح می کند . آقای قطب زاده که جای خود دارند ، هر وزیر مطلع و با حسن نیت ، و انقلابی هم که بعدا در راس وزارت امور خارجه قرار گیرد ، نمی تواند گریبان خود را از کارکنانی این خرابکاران و جو فاسدی که در آنجا حکم فرماست رها کند . وزیر بدون کارمند انقلابی و دلسوز مانند نجار بدون ابزاری است که از زیر دست آن هرگز ساخته کاملی بیرون نخواهد آمد .

آقای قطب زاده مدعی است که هزار نفر را بیرون کرده ، لیکن نتوانسته است ۶۰ نفر جدید را استخدام کند . این هم ناشی از طرز فکر بوسیده طاغوتی است که در وزارت امور خارجه ایران حکم فرماست و هر عنصر جدید را با هزاران اشکال تراشی از کالبد طاغوت زده خود بیرون می راند . اگر آقای قطب زاده با مقولات انقلابی فکر می کردند می توانستند به جای ۶۰ نفر ، صدها نفر را به عضویت وزارت امور خارجه ایران بپذیرند . مگر تعداد روشننگران و دانشجویان و کارگران انقلابی کم است؟ مگر انقلاب مردمی دیگری چه کردند؟ یک کارگر فهمیده را انتخاب کردند ، شش هفت ماه را تعلیم دادند و به کار در وزارت امور خارجه گذاشتند . مگر خود آقای قطب زاده وزارت کرده بودند که امروز خودشان را لایق ترین وزیر امور خارجه ایران می دانند و مدعی هستند که هیچ اشتباهی از ایشان سرزده است؟ آیا در یکسال و نیمی که از انقلاب می گذرد ، نمی شد از میان فرزندان طبقات مجروح دویست - سیصد نفر را انتخاب کرد به آنها درس داد و آنان را در سفارت خانه های ایران به خدمت گذاشت؟ طاغوتیانی که در وزارت امور خارجه مسکن گرفته اند ، هرگز به قبول این جوانان به عنوان دیپلمات راضی نمی شوند . اما مگر انقلاب ایران باید تا ابد اسیر کار شکنی های عمال رژیم سابق باشد؟

در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ، برای آنکه پاسخگوی نیاز جامعه انقلابی ما باشد ، باید خانه تکانی اساسی صورت گیرد ، هم در زمینه تصمیمات سیاسی و هم در زمینه مجریان این تصمیمات . ما امیدواریم که دولت آینده این هر دو مشکل را به شیوه ای انقلابی حل کند .